

ابراهیمی
آزاد ایل - هجری ۲۸ / ۴ / ۸۴

کتابخانه
موسسه
تاریخی

۱۷

[illegible]

The image shows a single page from an ancient manuscript, likely of South Asian origin. The text is written in a dark ink on a light-colored, heavily aged and stained paper. The script is a form of Indic script, possibly Grantha or a related variety, characterized by its vertical orientation and complex letterforms. The page is divided into several vertical columns of text, though the individual characters are difficult to decipher due to the poor condition of the document. The paper is discolored to a yellowish-brown hue, with numerous dark spots, stains, and areas of apparent abrasion or loss of material, particularly along the edges and between the lines of text. The overall appearance is one of significant age and wear.

اراضی

۱۷۵۲۷
۲۰۸۶۹۲



[illegible]

1752V

21792



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 حمد و سپاس و شکر و ستایش بقیاس حضرت غفار علیه السلام
 که جعل البیت مثابة للناس و امناء و حیمی را که حجر قلوب عاصیان را
 بآب زفر فرجست سیف نماید و در طهر فرج بگاه شفق دعوت
 آید و آن را که بر اجابت فرماید و منعی را که تمنعان را بجان رحمت خود
 برخواند مغفرت بدعوت نوحته و سکینا را از وجه رفعت از
 تکلف پیودن این راه معذور ساخته بحال الله تبارک و تعالی
وَاللّٰهُ عَلَى النَّاسِ حَیُّ الْبَقِیَّتِ مَنْ اَسْطَأَ خِا
سَبِیْلًا و قِیَومِی را که رکن اسلام را از طواف آن قیام مضبوط
 نموده و نبای دین مسلمانی را از آن محکم و مضبوط فرموده پس گواهی می
 که نیست هیچ سجودی بکس که سزاوار پرستش باشد مگر خداوندیکه

بی نظیر و بی وزیر و بی خلیفه و بی بنابر است و از همه چیز و همه مستغنی
 و دنیا و دانا و بی نیاز و هم گواهی میدهم که هر آینه بنده خالق جبرئیل
 رسول انس و جان و شافع زورچند را محمد المصطفی صلی الله
 تعالی علیه وسلم که خدا تعالی کعبه عظمیه و مکه مکرمه بل تمام کائنات را
 از نور ذات باریکات او شرف و پرستسته و مژگان و آراسته است
 صلی الله تعالی علیه وسلم و علی خوانه بن لبین و المرسلین و اصحاب
 و آلہ التأثرین که پیش همه دلیل روشن است و بین
اما بعد چنین گوید اقل القضاة اسمعيل المجاهد و غفر الله ذنوبه
 و ستر عيوبه که در زمان ارشاد قطب طایره الارشاد دعوت این
 علی الصدا و الراجح لها جاهد المجاهد مرشد الاکرم و سید الما بید شخیا
 و مولانا ضیاء الدین شیخ خالد ذوی النجاشین مدرس الله تعالی سره
 الغیر و هم در عصب سلطنت اعدال و خواقین و حفظ سلطنت
 تابع الشریعة القومیة سالک الطریقة المستقیمة قدس الله علی الامم

حامی بنیة الاسلام ما خلیت الکفر و الظلام سلطان عبد المجید
 اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بخود میکان و یکن بجوہم تروما حرکت
 سید الانام علیہ الاف التحیة و السلام و آله البررة اکرام چون
 دیدیم که اکثر مناسکات حج شرح و بیان طولانی دارد آعم
 ابرائیم خان بواسطه عدم طاقت و توانائی مختصاریل داشتند
 که از خواندن و یاد کردن کلال میافزود لهذا خلاصه و جہات و
 مستحای مناسکات را از کتابهای متعدده که در بناب تالیف کرده بودند
 در درار بعلم مکرمه استخراج نمودیم که تا طالبان راه حج و عمره
 از ادویه که در بعضی از مواضع مخصوصه بدان احتیاجی بوده
 باشد فایده یابند و از اسراج آنها سک نام کردیم بدانکه ای ملک
 راه دین که اول این ساله شریفه را بحر بی تصنیف نموده بودند
 پس این حقیر سراپا تقصیر غنی شیخ محمد پیک بن مرحوم موسی
 ساد جلاخی کوی در سنه هزار و دویست و شصت و چهار
 بنویس

بحری انرا بفارسی ترجمه کرد و ایند که تا فایده اش آعم و فوید آعم
 و جابدان و عایین از انرا و تکریم باشد است که منظر نظر کنند
 و مقبول خاطر خردمندان گرد و حقیر نیز با کافه سلام از خوش
 عوام آران مستفیض و مجرب بای شوند و آله اعلم بالصواب
فصل بدانکه حج در همه عسمر واجب نیست مگر یکبار
 مگر لابد شده باشد چون نذر و قضاکه باز حج کردن واجب شود و حج
 قطوع مجبر و شروع کردن در آن واجب کرد و بعد از حج فرض
 و اگر حج قطوع بفساد و اید قضایش لازم نشود و چون حج واجب
 عسمره نیز واجب کرد و اما شرطهایی که حجر لازم کرد اند
 نخست اول آنکه مسلمان باشد پس حج کافر درست نباشد و از
 مسلمان برای کافر نیز درست نباشد و دوم آنکه بالغ باشد
 و شرط نیست کسی را که حج از برای او واقع شود و تکلیف
 داشته باشد پس می رار و ا باشد که از برای او کول احرام

به بند و بعد از آن که کودک بالغ شد بروی لازم بود که بار دیگر حج
 بگذارد کانی قوله صلی الله علیه وسلم اتمأنتی حج ثم بلغ
فعلیه حج آخری رواه یحیی سیم آنکه عاقل بود پس حج
 از دیوانه و غیره نیز درست نباشد چهارم آنکه از او بود لقوله صلی الله
 علیه وسلم اتمأنتی حج ثم عقی ففعلیه حج آخری
 رواه یحیی باسناد یحیی چون بنده حج کرد و بعد از آن از او شد
 بروی لازم بود که بار دیگر حج بگذارد پنجم استطاعت یعنی با
 داشته باشد و اگر فقیر نفس خود را در حج خرد و حج کند بجای حج
 فرض واقع شود و اگر بعد از آن استطاعت یافت بروی لازم نباشد
 که بار دیگر حج بگذارد زیرا که او خود سرت ماوردی و عادی
 گفته است که پسر او و نفقه حج سپردن آمدن و اظفار و کتف و عادی
 مردمان حج روزی بر سوال کردن حرام است و اگر مهر از حج کرده باشی یک
 که فوت کنی یا از وقتش درگذرانی خاسر و زیانکار خواهی

له

شد پس در صورت ترک حج کردن ترا بجهت باشد زیرا که آنجا
 خسارت بسیار و زیادت پشمار است برای روزی است
 پس ای مسکین در خانه خود نشین و زحمت چسوده مهین و وصیت که
 نفقه از هر که نفقه اش بروی لازم بود زیادت باشد در دست
 رفتن و آمدن تا بوطن خود و هم و حسب که نفقه اش از شمسالم
 باشد زیاده تر از آنکه حرام بود و اگر نه بخشش خود بخود باشد جزوا
 اگر نفقه اش حرام بود و اگر نفقه اش از وجه شبهه بود احتمال دارد
 که قهر شود لقوله صلی الله علیه وسلم إذا حج رجل عیال من
عمر حلیه فقال لبیک قال الله تعالی لا لبیک
ولا سعد بک هذا مردود علیک و هم
مردود است صلی الله تعالی علیه وسلم ان من حج من غیر حلیه
ثم قال لبیک قال الله عز وجل لا لبیک
ولا سعد بک حتی ترده فانی بک بک و باید که زاد

و نقشه پادشاه باشد و اگر تواند محتاجا بر ابدان دستگیری
 کند و بچاکس را در ماکول و مرکوب با خود شریک سازد و اگر
 شریک سازد هم رود باشد و باید رفتی را موافق خود بداند
 که یکی را دوست دارد و بدی را دشمن شمارد و باید که زبان
 خود را از دشنام دادن و لغت کردن و دو بگفتارهای نا
 صواب بکاهدارد و باید که دستش از تجارت خالی بود که خرید
 و فروخت نکند و باید وصیت خود را تمام بنویسد و چندین را
 بر آن اشهاد کند و باید کسی را و یک کند تا هر محمی که خود از کون
 آن عجز نمود او را محسم را با انجام رساند و باید کتابی را مصفا
 خود کند که جهت مقاصد مناسک حج جامع بود و در خبر از طریق این
 رو تریشده که چون آخر از این شود چها صنف از مردمان
 پنج پیردن می آیند حاکمان و بزرگان جهت زینت یعنی عیش و
 عشرت کردن و توانگران جهت خرید و فروخت کردن کتابت
 و بقرآن

و فقیران جهت سوال و کدانی کردن و خوشخوانان جهت خوانندگی
 و اوزار ایشان شنیدن و در قرآن مجید آمده است رسیدت حکایت
از قول شیطان علیه اللعنه که لا تعصون لهم صراطک
المستقیم یعنی الهیست بهشتیم برای همراه کردن بر راه راست تو
 تا ایشان را از راه بگردانم و گویند مردان این صراط راه کجاست
 که شیطان بر آن نشسته تا مردمان را از راه منع کند و اگر
 کسی استطاعت داشت در سال که حج بپرون رود و او با مردمان
 بپرون نرفت پس مالش در آن سال تلف آید و از حج
 کردن مردمان دهر که بپرو و حج نگذارده باشد با تو اگر آن بپرو
 کاری بود پیش خدای تعالی لقوله صلی الله تعالی علیه وسلم
عن عائش و لم یحج فلیمت ان شاء الله و با ان شاء
 منرا نیای یعنی هر که بپرو و حج نگذارده باشد با وجود طاعت
 پس اگر خواهد بپرو و بپرو و اگر خواهد بضرانی پس تعظیم کن عباد

کردن عبادت و نماز و قضا که قضا کرده شود پس کلاه عین بدست
 تا آخر کردن حج ساقط شود و حقوق دیگر چنانکه شیخ کمال الدین در
 بحکم الوکایج گفته است که عیال نقل کرده اند هر که عقیقه و حنجران
 بر آید حج واجب بکند آنچه بروی و چنانچه است از نماز در روز و کوفه
 پس طلب توبه از وی باید کرد اگر توبه میکند مصلحتش بدیند و الا
 بقضای رساندن بقول جماع علماء **فصل** و شرط عازم حج
 آنکه در ابتدا غنیمت حج باید که از خبیث کلمات توبه کند و مظلوم
 نماید یعنی هر غلظی که بر کسی کرده باشد روز سازد و همه را از گردن خود
 براندازد و هر دینی که بر قلم داشته باشد ادا کند و استغفار نماید
 و باید که سفر حج در روز شنبه کند و الا در روز و شنبه و الا در
 روز شنبه در زمانه خود دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول
 بعد از فاتحه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند و در رکعت دوم
 سوره قدر بخواند احد بخواند پس چون از نماز فارغ شود و سجده

کند بگوید

خود را بر او شسته گوید اللهم أنتَ الصَّاحِبُ فِي السَّعَادَةِ
الْخَلِيفَةُ فِي الْأَعْمَلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْأَعْقَابِ اللَّهُمَّ
احْفَظْنَا وَأَبَاؤُنَا مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاوِدِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَلِكَ
مِنْ سَفَرِنَا هَذَا الْبَرِّ وَالْقَوَى وَمِنْ أَعْمَلِ
مَا نُرْجَى روت شده از حضرت رسول صلی الله علیه
 و سلم للحاج الأکب بکلی خطوة یضعها سبعون
حسنة وللمیاشی بکلی خطوة سبعائة حسنة
 و فرضات الحرم یعنی برای آنکه سوره حج گذارد و هر کس
 که میخیزد بمبارکی دارد و از برای پیاده بهر کس که میخیزد بمفیدی
 از نیکیهای حرم گفتند یا رسول الله نیکیهای حرم چگونه باشد فرمودند
الحسنة بسبعائة الف حسنة یعنی هر نیکی بمفید هزار نیکی
 باشد پس گفتند که هر آینه این از رحمة تمام فضیلت حج گفتند
 و این شصت و بی و این مسود و حق الله تعالی تخم و بعضی علماء هم معنی

هشتم قصبه حسین نهم قریه عمود دوم بلد مارین یازدهم قریه
 سلطان شیخ موسی دوازدهم قریه احسانی سیزدهم بلد دیار
 چهاردهم قریه منزله پانزدهم قریه باغچه شانزدهم قصبه سورک
 هفدهم قریه شش هجدهم قریه راس لعین نوزدهم بلد عرفا
 بیستم قریه بلک هجدهم قصبه بلک بیست و دوم قریه
 مزار بیست و سیم قریه مصری بیست و چهارم قریه صغیر بیست و پنجم
بلد بلک بیست و ششم قریه خان تومان بیست و هفتم
قریه سی بیست و هشتم قصبه بصره بیست و نهم قریه خان سی و یکم
سی و دوم قصبه خماسی سی و یکم قصبه خمض سی و دوم قریه کای
سی و سیم قریه بنگ سی و چهارم قریه قدیسه سی و پنجم شام
شریف و بیان فضیلت شام شریف حضرت رسول
 صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده أَمْلَأُوا فِي الْأَرْضِ الْقُدْسَ
مَجْشَعَانِهِ وَكَذَا سَائِرِ الْأَخْصَالِ یعنی یک کت نماز که در این
 نعلین بگذارد

سجدتس بگذارد نعلینش برابر با قصد نماز دیگر است و سایر قال
 دیگر بخین و از شام شریف تا کعبه مکه سی و شش نعل است کمتر
 بود و نه بیشتر پانزدهم قریه اول خان زتون پنج ساعت در
 آنجا آب جاری دارد دویم کدینه ده ساعت است در آنجا آب دارد
سیم قریه بزرگ ده ساعت است در آنجا نهری کوچک دارد
 چهارم رطلا پنج ساعت در آنجا آب نیست پنج مفرق ده
 ساعت است در آنجا آب نیست ششم زلقا ده ساعت
 در آنجا نهری و نیستانی پسار دارد و هفتم بقا پانزده ساعت
 در آنجا آب نیست لیکن در میان قلعه چاهی باشد و در آنجا آب
 دارد هشتم قطران دوازده ساعت است در آنجا آب نیست
 لیکن در میان قلعه چاهی باشد در آنجا آب دارد نهم حصیه
 دوازده ساعت است در آنجا آب دارد و سیم غنره دوازده
 ساعت در آنجا آب نیست لیکن در میان قلعه چاهی باشد

در آنجا آب دارد و اما آب این چاهها که مذکور شد همین از برای آب
 قریین است ^{بقیه} باشد و کفایت حاج نمیکند یازدهم قریه جان ^{در} است
 در آنجا آب جاری دارد و دوازدهم در الحقیقه دوازده ساعت
 در آنجا آب نیست یازدهم در دوزخ است در آنجا آب
 دارد چهاردهم در راجع است ساعت در در آنجا آب دارد
 پانزدهم بقای صغیر دوازده ساعت در آنجا آب نیست شانزدهم
 قریه نوک دوازده ساعت در آنجا آب دارد و از اعراضی
 نیز گویند هفدهم راس المعز دوازده ساعت در آنجا آب
 نیست هجدهم در الخضیر دوازده ساعت در آنجا
 آب دارد و نوزدهم ترک مغظم پانزده ساعت در آنجا آب
 دارد بیستم در الحمره دوازده ساعت در آنجا آب نیست
 بیست و یکم در این مصالح پانزده ساعت در آنجا آب دارد
 بیست و دوم صحاح سلطان پانزده ساعت در آنجا آب
 نیست

بیست و سوم بر جدید چهارده ساعت است و در این
 صحاح طران تا بر جدید نیز آب نیست مگر مضافی مخصوصه
 در این مابین دارد و آنجا تا بر جدید مقدار رسته ساعت است
 بیست و چهارم مدینه شانزده ساعت در آنجا آب نیست
 مگر اندکی که انحصار از کندن زمین پیدا میشود بیست و پنجم
 فحاطین نوزده ساعت است در آنجا آب دارد بیست و ششم
 بیرضیب نه ساعت است در آنجا آب دارد بیست و هفتم
 مدینه منوره نوزده ساعت است در آنجا آب جاری دارد
 بیست و هشتم بر علی سه ساعت در آنجا آب دارد بیست و نهم
 نعم شحدا چهارده ساعت در آنجا آب نیست لیکن ششای
 راه چاهی باشد در آنجا اندکی آب دارد و مابین چاه نولوب
 تا شحدا چهار ساعت است سی و یکم قریه جدید دوازده ساعت
 در آنجا آب جاری دارد سی و یکم قریه بدزده ساعت است

در آنجا آب دارد و گین اکثر حجاج بسبب خجالت و خوشی آب را از بالا
قریه صفر بر داشته تا خود بدر میزد سی و دوم ایامی که پیش
ساعت است در آنجا آب نیت سی و سیم میرسد و در آنجا
ساعت است در آنجا آب دارد سی و چهارم قریه را پنج شست
ساعت است در آنجا آب دارد سی و پنجم بیار کا خله بازده است
در آنجا آب نیت سی و ششم قریه خلیس ساعت است
در آنجا آب جاری دارد سی و هفتم وادی فاطمه شازده ساعت
در آنجا آب جاری دارد سی و هشتم که مکرمه زاده الله شرفا
تعطیل ما شش ساعت است در آنجا آب دارد از ابی که
زبیده خاتون زن مارون الرشید آورده است و غیر آن
آب دیگر هم دارد بد آنکه چون حجاج از شام شریف رایی
روانه مکه مخطره شوند در شانی راه در پنج موضع او تراق و استرا
میکنند اول در قلعه مدبریب که پست و هفتم ماه شوال کرم

حجاج

حجاج از آنجا کوچ نموده بر مظلایمیر وند و دوم در قریه معان یکروز و
نیم و سیم در قریه تبوک یکروز و نیم و چهارم در مدین صالح یکروز
نیم و پنجم در مدینه منوره سه روز و در و جای دیگر نیز نیم
استراحتی می کنند اول در قریه بدر غیر از دوم در قریه را پنج نفوذ
از مکه مکرمه تا مینا ساعت است در آنجا آب دارد و از مینا تا
مزدلفه یک ساعت است در آنجا آب بسیار دارد و از آب زبیده
خاتون و از مزدلفه تا عرفات ساعت است در آنجا آب
جاری دارد و از آب زبیده خاتون و وقت بازگشت از حج است
هفتم ماه ذی الحجه اگر کرم محشر شریف شام و حجاج از مکه مکرمه کوچ
نموده بودی فاطمه می آیند و **پانزدهم** **نهار قصر و جمع** و بد آنکه حق
سبحانه و تعالی هر آنکه بر ساfran فصد نموده است بر خشت
دادن ایشان در کثیف بعضی جهات از آنکه ما قصر و
جمع است اگر سفرش در از و مباح باشد چنانکه دوز و معتدل

در کوتاهی و درازی چون روزهای استبان برآید برود و قصر نماز چهار
 رکعتی بدو رکعت رود باشد بلکه فاضله است و شرط است که مقصد
 مسافر معلوم بود و اگر کسی برونه او دین حال باشد و بفرموده قصر
 رود نباشد و نماز صبح و شام بر قصر باشد کردن و سوره و پایله را در قصر
 دراز و کوتاه نماز فاضله در حالت رفتن به طرف که روی دارد
 رود باشد و راه بدل قبله بود و جمع کردن میان نماز ظهر و عصر میان
 نماز شام و خفتن در عصر دراز بقدم و تاخیر رود باشد در وقت
 یکی از آنها و اگر در وقت نماز اول فرود آمده باشد فاضله آن بود
 که جمع بقدم کند و اگر فرود نیامده باشد بلکه در حالت رفتن بود
 فاضله آن باشد که جمع تاخیر کند و چون جمع بقدم کند
 سه چیز شرط بود اول ترتیب است ترتیب که اول نماز کند
 و بعد از آن عصر و اول نماز شام کند و بعد از آن خفتن و دوم
 نیت است بجمع پیش از سلام و یا با سلام لیکن متعارف بکسر
 احرام و غیره

احرام فاضله بود قسم مولات است میان هر دو نمازی سابقا کند
 تا اگر نماز اول بگذرد و چند آن تاخیر کرد که زمانی در رکعت جمع
 باطل شود اگر پیشینی میان آنجا جدا کند و نماز دوم را در وقت
 خویش بگذرد و تا به تیمم کردن و هر یک بکس خود است چون
 آب دماند آن جمع باطل نشود و اگر جمع تاخیر کند ترتیب مولات
 شرط نباشد ولیکن نیت جمع پیش از بدر رفتن وقت نماز
 اول شرط بود و اگر بنا نیت جمع تاخیر کند نماز شرط شود
 دوی عاصی کرد و اگر نیت جمع سپارد و بعد از آن نیت را
 ترک کند پیش از فراغ و بعد از آن دوباره نیت جمع سپارد
 روا باشد و نماز صبح را با غیر آن و نماز عصر را با غیر نیز
 جمع نیت کرد و در بیان تیمم و اگر در نماز نیت
 و یقین داند که در آنجا آب نیت تیمم کند و نماز بگذرد و خوا
 جنب باشد و خواه حایضه که خوشتر منقطع گشته باشد

و اگر بقیه نماند که آب نیست و جب بود که طلب آب نماید و آ
 تبسم کند بجاک پاک و خالص یا غبار چری پاک اگر چه بسیار
 پشت خرم باشد و اگر تیمم کند بر یک محض و یا بجاک پلید
 و یا بجاکی که کج و لرزه و شمال آن بادی آید میخشد باشند رو نمود
 و سنت است از برای مسافر که قدری خاک در توبه و مانند
 آن کرده یا خود در و تا بدان تبسم کند که هرگاه بسبب برف
 و یا باران در زمین خاک نیابد و چون وقت نماز درگیرد و او
 آب و یا خاک و یا غبار چری پاک نیابد بر حسب عادت خوش
 نماز فرضیه را باید بجهت حرمت وقت بگذارد چون آب یافت لازم بود
 که نماز را باز اعاده کند و پیش از وقت فرضیه تیمم از برای فرضیه
 درست نباشد و نافله نیز بجهت آنست اگر چه جب وقت باشد
 و یک تیمم زمانه از یک فرضیه نشاید گذاردن و چون از جهت
 نبودن آب به تیمم نماز کند قضای نمازش لازم نباشد خواه
 نعلنی

نمزش کوتاه باشد و خواه در از میان بود و اگر بعد از نماز آب
 یابد در وقت یا در ثانی نمازش درست بود قضای بروی لازم
 نباشد و اگر آب یافت روی بد آن جهت حاجت دارد از برای نشستن
 نفس خود و یا رفتن خود و یا یکی از عیال و یا حیوان محترم تیمم روا
 باشد و وضو کردن در وقت آب حرمت و ایضا وضو کردن
 بآب حرام است در وقت شدت سرما چنانچه اگر نفس خود
 تبرسد که از سرما مضرت یابد و اما تبسم مسح کردن ظاهر
 روی و هر دو دست تا سرفه نقل کردن خاک و بار کثر
 نباشد در مکان تبسم خست اول نقل کردن خاکست پس اگر
 برابر باد بآب است و تا خاک بر روی و دست وی نشاند و یا
 خاک بر روی وی بود و نیست کرد و دست در مال تیمم روا
 نباشد و اگر دیگری تیمم ویرا کند روا باشد در وقت است
 و جب بود که نیست معانین نقد کردن اول باشد و بجهت

در دل می آید تا بوقت مسح کردن روی اگر محدث نیست روضه
 کند و یا جنب نیست روضه خنابت کند دست نباشد و لیکن باید
 میت کند و نماز بر خود مسح میکند پس اگر میت که نماز فرضیه و
 یا نافله بر خود مسح میکند مسح کرده و اگر میت کند که تمیم میکند و یا
 فرض تمیم میکند در دست نباشد رکن سیم مسح تمام رویت و
 رسانیدن خاک بر زیر پوینها واجب نیست و لیکن نظاها را آنچه
 از قد بر رفته است واجب باشد رسانیدن رکن چهارم مسح
 هر دو دست تا بر دو طرفی بنقد کردن خاک بدو ضربت
 و کمتر باشد و بدو ضربت روا باشد رکن پنجم تر تبت است
 میان مسح روی و هر دو دست اما چگونه تمیم نیست که
 در اول بسم الله بگوید و در مسح روی ابتدا با جلا کند و در
 دست اندرون انگشتای دست چپ را غیر از انگشت بیجام
 بر پشت انگشتای دست راست بخشد غیر از ابهام و بیجهت
 کف بر اند

کف بر اند تا کوع یعنی بند دست و چون کوع رسد انگشتها را
 بجهت کمر و بر کنار ذراع و بر اند تا به رفتی و چون به رفتی رسد
 ابهام دست چپ را بر ابهام دست راست بر اند و دست چپ را
 نیز همچین بدست راست مسح کند پس هر دو کف را بر هم مالید
 و موالات بخشد و اگر انگشتی را در ضربت اول انگشت
 بیرون کند انگشتها را بکشد و در ضربت دوم بیرون کردن آن
 انگشت کفایت بود و اگر انگشتها را نماید ضلال انگشتها واجب
 نیست است که تمیم را بر اقله کند و بعد از تمیم بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله اللهم اجعلني من التوابين
واجعلني من المتطهرين واجعلني من
عبادك الصالحين سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ
التَّوْبُ إِلَيْكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ اینجا که در وضو غسل بگوید که هر کس بعد از وضو
 و یا تمسیم این دعا را بخواند دستها را برداشته روی خود را
 در آسمان کند دست در محبت برای وی گشاده شود و در
 خدا تعالی بروی نازل گردد و در **پایان** **جنایه** چون یکی از حج
 پیرو غسل و کفین و نماز کردن بروی و دفن کردن وی بر سر
 حجاج واجب کرده پس اگر ویرا همچنان بگذارد و دفن نکند
 همه شان عاصی شوند و غسل نماز و دفن کردن مرده فرض
 کفایت است و اگر آب نباشد مرده را تمسیم کنند چنانکه
 مذکور شد و کمترین کفن یکبار است که جمع بدن را بپوشاند
 در مذبح صحیح و قیل گویند ستر عورت کفایت است
 در حق مرده و پنج جامه برای زن و چون مرد یا زن را در
 خاک کفن

با جامه کفن سازند یا ضلعه راست که سه لفافه بود و اگر زنی
 و پنج لفافه کفن سازند یا ضلعه راست که از برای مقتضه و سیرانی
 و دو لفافه بوده کفن در جمیع انواع جامه روا باشد مگر جامه
 ابریشم که روا نباشد مرد را زانرا کفن سازند و زنی را
 روا باشد و سنت است که کفن سفید باشد لقول صلی الله علیه
 و سلم خَيْرُ ثِيَابِكُمُ الْاَبْيَضُ فَالْكُوفِيُّ اَحَبُّ اِلَيْكُمْ وَالْكُفِيُّ
فِيهَا مَوْتَانِ یعنی بهترین لباس شما آن است
 که سفید باشد پس پوشید آنرا از دندان خود را و کفن سازید
 در آن مردگان خود را و **پایان** **مسئله نماز جنازه** اول وضو بکند
 و بعد از آن میت کند بگوید اُصَلِّيْ صَلَوةً عَلَیْهِ الْجَنَائِزِ
الْحَامِیَةِ فَفَرَضَ كَفَانُهُ لِلَّهِ نَعَى اللَّهُ الْکَبْرُ و اگر خواهد بگوید
 بگوید که نماز این مرده حاضر میکنم فرض کفایت است از برای
 خدای تعالی اللَّهُ أَكْبَرُ بعد از آن فاتحه بخواند و بعد از آن

بگوید اله اکبر و بعد از آن بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَىٰ اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ و بعد از آن بگوید اله اکبر و بعد
از آن اگر مرده مذکر بود بگوید اَللّهُمَّ اَخْرِجْهُ وَاجْزِمْ وَجْهَهُ وَتَجَاوِزْ عَنهُ
و بعد از آن بگوید اله اکبر و اگر مرده مؤنث بود بگوید اَللّهُمَّ
اَخْرِجْهَا وَادْحَمْهَا وَتَجَاوِزْ عَنْهَا بعد از آن بگوید
اله اکبر و بعد از آن بر سر است و چپ سلام دهد و بگوید
السلام علیکم ورحمة الله **تلقین میت** و سنت است که بعد از
دفن تلقین مرده کنند و بگویند یا عبد الله ابن امیه
الله اذک ما خرجت علیه من الدنیا شهادة
اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ
وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ اَنَّ الْبَعْثَ
حَقٌّ وَ اَنَّ السَّاعَةَ اَشْبَهُ لَا رَيْبَ فِيْهَا وَ اَنَّ
اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الصُّبُورِ وَ اَنَّكَ رَضِيتَ
بالله

بِالله رَبِّا وَ بِاِلاَهِ سَلَامٍ دُنيَا وَ بَعْدِ صَلَّی
اللهُ تَعَالٰی عَلَیْهِ وَ عَلٰی اٰلِهِ وَ صَحْبِهِ وَسَلَّمَ نَبِیًّا
وَ بِاَلْفَرَّانِ اٰمِنًا وَ بِاَللَّحْبَةِ فَبَلَدٌ وَ
يَا الْمُؤْمِنِينَ اٰخُوَانَا رَبِّیَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا
هُوَ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
سنت است که قصد رفتن بدینه نموده نمایند از برای مجر و
زیارت کردن مرقده حضرت صلی الله تعالی علیه وسلم
که رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است مَنْ ذَا دَنَى
بَعْدَ وَفَايَیْ فَقَامَ مَا ذَا دَنَى فِی الْحَيَاتِ
یعنی هر که بعد از وفات من مر از زیارت کند نجاست که مرا
در زندگی زیارت کرده باشد رویت میکند و الا قطعی من
ذَا قَبْرِیْ وَ حَبِیْثٌ لِّشَفَاعَتِیْ یعنی حضرت رسول صلی
تعالی علیه وسلم فرموده است هر که مرقده مرا زیارت کند

شفاعت من از برای وی واجب کردیم حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است من جانی زائراً لا
یهمته الا زبانی کانت حقاً علی الله
ان اکون له شفیعاً یعنی هر که نزد من باید
 بجزو زیارت کردن که او را هیچ متعی دیگر نبود الا زیارت
 کردن من نباشد حق بود بر خدا تعالی که من از برای او شفیع
 باشم در روز قیامت و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه
وسلم فرموده است من وجد سعته ولم یجد ائتی
فقد جفا یعنی هر که توانائی داشته باشد که نزد من رسد
 و او نرسید نزد من هر آنی را جفا و ستم کرده باشد و هم
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است من استطاع
ان یموت بالمدينة فلیمت بها فان لا یموت
احدا الا کنت له شفیعاً و شهیداً
 یعنی هر که

یعنی هر که استطاعت داشته باشد که آمده در مدینه منوره
 بمیرد پس گوید در اینجا زیرا که هیچ احدی نمیرد در اینجا
 الا که من از برای وی شفیع و حاضر باشم در روز قیامت
 و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است
ان الله یبع ائمتی بائعته و من راه اشیق من اهل السماء
جبرئیل و میکائیل و امینین من اهل الارض ابی بکر و عمر
رضی الله تعالی عنهما یعنی که خدای تعالی مرا نموید
 ساخته است بچار وزیر و دو از اهل آسمان یعنی جبرئیل و
 میکائیل و دو از اهل زمین یعنی ابی بکر و عمر رضی الله تعالی
 عنهما و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است
انا اول من یسقی منه الارض ثم انی اهل البقیع
فیحشر من معی ثم انی اهل مکه فاحشر و بین
الحرمین یعنی که در روز قیامت اول کسی که زمین

از آب شاک شریف باله بعد از آن برای تبرک بکبریت
 در مدینه منوره مجاورت نمودن یعنی که در اینجا مقیم شدن بشرطی که
 مذکور است در مجاورت نمودن بکبره کعبه ثابت شده در حدیث مسلم
 از ابن عمر و ابی حمزه ریه رضی الله تعالی عنهما که حضرت رسول
 صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است مَنْ صَبَرَ عَلَى الْعِلَاءِ
الَّذِينَ رَسَدَتْ هَا كُنْتُ لَهُ شَهِيدًا أَوْ شَفِيعًا يَوْمَ
الْفَيْصَةِ یعنی هر که صبر کند بر سختی مدینه منوره
 چون کربسهای دشمنی و شدت کرمی هوا و بیماری و مانند آن
 روز قیامت از برای او شفیع و حاضر خواهد شد و هم حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است لَا تَشْدُ الرِّجَالُ
إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ حُدَا
وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى یعنی که بارخود را مینهند و میریزند
 زیارت مساجد الابه مسجد نباشد مسجد الحرام و این مسجد من

بمکر

مسجد الاقصی و قبله جمع پیران مسجد الاقصی بوده است
 و آنجا که حضرت اشرف المرسلین در آن خفته اند از کعبه
 محبت فاضله است بلکه از عرش هم فاضله تر بود آن
 کعبه از محبت فاضله تر باشد چنانکه احادیث صحیحیه بدان وارد
 کرده فَإِنَّكَ ابْنِي وَأُجِّي وَنَفْسِي بِأَجْبِبْ رَبِّ
الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ عَلَيْكَ أَفْضَلُ الصَّلَوةِ وَحَلَّ
الْجَنَابَاتِ و سنت است که در راه مدینه منوره از صلوات
 و سلام بر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم بسیار گوید
 و چون در سخا و سنگهای مدینه منوره را به چند وصلوات
 و سلام بفرزید وَرِجَانِ أَوَّابِ وَارْكَانِ زِيَارَتِ
 هر قدر صلوات حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم و یا پدر آن
 را عمل شدن بدینه منوره غسل کند و جامه پاکیزه بپوشد
 و چون خواهد که هر قدر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه

وسلم را زیارت کند از باب السلام باید و نعل شدن تشریف
و تخطی تمام و چون بای برستانه بخشد بگوید بسم الله و علی
ملائه رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم و رب ادنی
مدخل مدنی و آخر جینی مخرج مدنی و اجعل لی من
لذاتک سلطاناً نصیباً پس قصد سجده کند از دست خود
و بان در آمده نیت تمکات پاورد و نماز تحت المسجده
و آن بچلوی زبر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم فضله
بود و از دعا چند آنکه تواند سپار کند چنانکه حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است ما بین قبر منبری
روضة من ربنا فی الجنة و منبری علی
حوضی یعنی که ما بین مقبره منبرین روضه است از زمین
بجست و منبرین بر حوض کوه باشد و نزدیک منبر دعا کند و
سنت است که دست خود را بر آن کنار منبر خد که حضرت

الصلوة

رسول صلی الله تعالی علیه وسلم در وقت خطبه دست
ببارک خود را بر آن نهاده است و بعد از آن بوی منبر
آید تا بشبک شریف برود و چون نزدیک شود نظر کند
که ما بین شبک شریف و دیوار مسجد غایت است همه را
مرمر فرش کرده اند و سنت است از برای شافعی مذکبه
مقدور چهار رکز شرعی شبک شریف نزدیک شود و ازین
پیشتر نزد و روان باشد که مرقد اکبر است و صلی الله تعالی
علیه وسلم طوف نماید یعنی که بگرد و مرقدش بگرد و چنانکه
شکم شبک و بوسیدن و ماییدن دست بر آن
کراهت بلکه از روی ادب از آن دور باید است و نگاه
کند پس در بنوقت روی در شبک شریف و دست بر قلبه
کند و او آری بلند کند و تا مترین صلوات و سلام بر حضرت
صلی الله تعالی علیه وسلم است که بگوید الصلوة و

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
نَجِيَّ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ بِإِصْفَى اللَّهِ الصَّلَاةُ وَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مَنْ أَحْنَاهُ اللَّهُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَنْ شَرَفَهُ اللَّهُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
عَظَّمَهُ اللَّهُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَرَّمَ
اللَّهُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُشْتَبِعَ الْآخِرَةِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَفِيعَ الْحَمْدِ

الصَّلَاةُ

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ التَّوْبَةِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَقَامِ
المَحْمُودِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَافِرِي
الْحَرَى الْمَوْرُودِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا أَكْرَمَ النَّاسِ شَيْعاً يَوْمَ الْفَيْضِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حَاضِمَ النَّبِيِّينَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا شَفِيعَ الْمُذْنِبِينَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ الصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْأَوَّلِينَ الصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْآخِرِينَ الصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَايِدَ الْفَرَجِ الْمَجْلِبِينَ الصَّلَاةُ

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْحَرَمَيْنِ • الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْخَافِيَيْنِ • الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا رَسُولَ الْتُفَلِّينِ • الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ مَنْ فِي الْكَوْنَيْنِ • الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْقِبْلَتَيْنِ • الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا فَوْزَ الْمُشْرِفَيْنِ وَضِيَاءَ الْمُغْرِبَيْنِ •
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ السَّبْعَيْنِ
 الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ • الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَأَصْحَابِكَ وَفَرِيدِكَ
 الطَّيِّبِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ
 طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا • اسْمُكَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنْتَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
 وَأَمِينُهُ وَصَفِيُّهُ وَخَيْرُهُ مِنْ خَلْقِهِ وَشَهِيدُهُ

الَّذِي

تَعْلَمُ
 أَنَّ
 فِي
 هَذِهِ
 الصَّلَاةِ
 ثَلَاثِينَ
 مَرَّةً

أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَدْبَتِ الْأَمَانَةَ وَ
 نَضَحْتَ الْأَثَرَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 نَفْسَكَ وَمَالَكَ وَحَدَّثْتَ أُمَّتَكَ وَعَبَدْتَ
 رَبَّكَ حَتَّى أَتَيْتَ الْبَقَاعَيْنِ بِأَشْفَعِ الْمَذْنِبِينَ
 مَا لِي سِوَاكَ خَلَّاسٍ لِأَنِّي عَبْدُكَ فِي الْحَيَاةِ الْمَعَا
 رِجُوا مِنْ جَنَابِكَ شَرِيفَ الْكَدِيرِ أَنْ تُشْفِعَ لِي
 وَلَا مَائِي وَلَا خَوَائِي عِنْدَ الْمَلِكِ الْقَدِيرِ
 فَإِنَّكَ قَدْ قُلْتَ بِفَضْلِ خِطَابِكَ مَنْ زَارَ
 قَبْرِي وَجَبَّ لَهُ شَفَاعَتِي فَقَدْ جُنِّتَ
 بِحِلِّ الْأَوْزَارِ فَاسْتَفْعِ لَنَا عِنْدَ الْمَلِكِ الْعَفَّارِ
 وَنَدَّ جَاءَ أَدْنَبُ النَّاسِ وَانْفَجَحَ صِفَانَا وَفَعَّالَا
 أَيْ أَحْمِلْ الْخَلْقَ فَضْلًا وَاحْسِنَانَا فَلَا تَنْفَعِي إِلَّا عَلَى
 الْخَلْقِ أَنْ يَطْرُدَ أَدْنَى الْبَطْرِ قَوْمًا وَلَوْ كَانَ شَفِيعًا

عَنْ

وَلَوْ طَرَدْتَنِي فَلَا أَدْعُكَ وَأَعِصْ ذَلِكَ الشَّرِيفَ
 يَا مَيَّابِي فَإِنْ رَجَائِي انْقَطَعَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ سِوَاكَ
 فَاسْتَعِزَّ إِلَيَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِعَدْلِكَ
 بَعْدَ زَيْمِ كَرْبُطِ رَسْتِ خُودِ رُمِيهِ بِسَبْحِ بَابِ سِدِّ وَسَلَامِ
 كَسْبِ بَرَابِي بِكَرْبِدِيقِ رَضَى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ زَيْرُكَ كَسْرَ أَوْرَدِيكَ
 وَدُشِ حَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَكُوبَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ الْأُمَمِ عَلَى الْغَمِّينِ
 خَلِيفَةَ هَذَا النَّبِيِّ وَوَلِيَّ الْغَارِ مَعَهُ رَفِيقِي يَا مَنَا
 وَسَيِّدَنَا يَا بَكْرَ الصِّدِّيقِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَعَلَى الْأُمَمِ وَمُعِيْنَهُمَا وَعَلَى حِفْظِ الْمِلَّةِ لِسَلَامِ
 عَلَيْكَ يَا وَزِيرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمِينَهُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَالسَّلَامِ
 عَلَيْكَ

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فِي الْغَارِ وَرَفِيقَهُ فِي الْأَسْفَارِ اسْتَعِزَّ بِكَ مَا
 زِلْتُ عَلَى سَفِينِهِ وَطَرَفِهِ فَأَيُّمَا بِالْعَدْلِ فِي
 مِلَّةِهِ كَفَلْتُكَ الْأَقْبَامَ وَوَصَلْتُكَ الْأَرْحَامَ
 فَخَرَّكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ
 صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَرَحْمَتِي
 عَنْكَ أَفْضَلَ الرَّحْمَةِ بَعْدَ الرِّمْلِ وَالْحَصَى
 وَأَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَتَوَفَّانَا عَلَى حُجَّتَيْهِ وَمُحَبَّتَيْهِ
 وَبِحُشْرِ فَإِنَّ زَمْرَتَهُ وَزَمْرَتِكَ كَمَا انْفَعَمَ عَلَيْنَا بِزَمْرَتِهِ
 يَا دُرِّيكَ وَزَيْرُ بَابِ رُمِيهِ وَرَضَى اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ بَعْدَ
 عَفْوِهِ عَنْ خَلْفَتِهِ وَعَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ
 بِسُبْحَانِهِ وَتَعَالَى بَعْدَ زَيْمِ كَرْبُطِ رَسْتِ خُودِ رُمِيهِ بِسَبْحِ بَابِ سِدِّ وَسَلَامِ
 رَسْتِ رَسْتِ خُودِ رُمِيهِ بِسَبْحِ بَابِ سِدِّ وَسَلَامِ كَسْبِ

بر عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنه زیرا که سرافراز و بزرگوار بودی
 ای بکر است رضی الله تعالی عنه و بگوید السلام علیک یا
 یا حبیب رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
 کما اخرج الطبرانی و غیره ان رسول الله
 صلی الله تعالی علیه وسلم قال عمر معی و انا مع
 و الحق بعدی مع عمر حبیب السلام علیک یا
 امیر المؤمنین السلام علیک یا مظهر الاسلام
 السلام علیک یا مکسر الاضنام السلام
 سراج اهل الجنة السلام علیک یا ویر
 رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
 و امینه علی الاسرار السلام علیک یا
 من نطق بالصواب و وافق قوله بحکم
 الکتاب السلام علیک ایها الفادون

الامین

الامین الذی اظهر الله عز وجل به الدین و
 کمل به الاربعین و استجاب فيه دعوی سید
 المرسلین جزاک الله عن الاسلام و المسلمین
 افضل جزاء و رخصه عنک افضل الرضی بید
 عمود عن خلفه و عدد ما احاط به علمه سبحانه
 و تعالی بعد از آن باز کرد و با شجای که اول استاده بود از
 برابر روی آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم و با و توسل
 جوید و حق نفس خود و طلب شفاعت با و از خدا تعالی
 کند بعد از آن تا که در شباک شریف رفته از انجا باز
 پس پشت در سجده روی قبلی کند و از برای نفس خود
 و از برای هر که خواهد از مسلمانان دعا کند و بعد از آن باز
 کرد و بسوی مقام ملائکه مقرب و آن در شباک شریف
 از برابر پای مبارک آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم

در روی در شتابک شریف و پشت در بقیع کند و بقیع کرد
 مدینه است و بگوید السلام عليك يا سيدنا ويا
 مولانا وروحنا فداء جبرئيل ووزير رسول الله
 صلى الله تعالى عليه وسلم في الارض والسماء
 السلام عليك يا سيدنا ويا مولانا وروحنا
 فداء ميكائيل ووزير رسول الله صلى الله تعالى
 عليه وسلم السلام عليك يا سيدنا ويا مولانا
 وروحنا فداء اسرافيل عليه السلام
 عليك يا سيدنا ويا مولانا وروحنا فداء
 خضر ايسل عليه السلام بعد از آن اندکی رفته بایستد
 و پشت در شتابک شریف و در بقیع کرده بگوید
 السلام عليكم يا اهل الجنة البقيع السلام
 عليك يا سيدنا ويا مولانا وروحنا فداء

در این

ابراهيم بن خنيس الوفا السلام عليك يا من
 انخفض الشمس يومك السلام عليك يا من
 عندك الملائكة والمفرجون يومك اشفع لنا
 عند ابيك خير البرية السلام عليك يا
 سيدنا ويا مولانا وروحنا فداء يا جامع
 القرآن عثمان بن عفان السلام عليك
 يا سيدنا ويا مولانا وروحنا فداء عباس
 عم رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم
 و بعد از آن اندکی دیگر رفته بایستد حضرت فاطمه زهرا
 تعالى عنها بایستد روی در شتابک و پشت در بقیع کرده بگوید
 السلام عليك يا فاطمة الزهراء السلام عليك
 يا بنت رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم
 السلام عليك يا سيدتنا النساء اهل الجنة

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ عِلِّيِّ الرُّفْعَى السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْخَيْرِ وَالْخَيْرِ شَفَعِي لِأُمِّي
وَأَخِيْنَا بِإِذْنِ رَبِّنَا يَا نِعْمَ النَّسَاءَ عَدْرَانِ اذْكُرِي
رَبَّهُ بِاسْمِهِ رَقِيبَةً رَقِيبَةً رَقِيبَةً بِكُودِ السَّلَامِ
عَلَيْكُمْ يَا مَنْ قَاتِلُوا وَقُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَسَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا صَبْرَكُمْ فَتَحَ عَفْوِي الدَّارِ
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شَهْدَاءَ أَهْلِ أُحُدٍ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نِعْمَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ
وَسَلَّمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ حَمْرَةٍ وَارِثَةَ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ وَسَلَّمَ فِي عَرَفَةِ
أَحَدٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اسْتَشْهَدَ فِي عَرَفَةِ
مُحَمَّدٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ وَسَلَّمَ

إِلَيْكَ فِي ذُنُوبِنَا وَمَا اتَّقَلَّ ظُهُورُنَا مِنْ أَوْزَارِنَا
 يَا مُبِينِ مِنْ دَلِيلِنَا مُعْرِضِنِ خَطَايَانَا وَ
 تَقْصِيرِنَا فَتُبَّ اللَّهُمَّ عَلَيْنَا وَشَفِّعْ بَيْنَكَ
 عِزًّا مَبْنِيًّا وَارْفَعْنَا بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ وَخَفِّيرْ
 عَلَيْكَ اللَّهُمَّ أَغْفِرْ لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ
 أَغْفِرْ لِلْأَخَوَانِ الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ اللَّهُمَّ
 لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَحَرِّ حَرَمِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ رُبَّ رُوْعَاكَ نَزْدِكَ مُنْبَغِي نَفْسٍ دُرِّ الْوَالِدِ
 كَرَمِ هَيْتِ وَزِيَارَتِ كَرْدَنِ مَرْدَقِ أَقْصَرَتْ حَتَّى أَنْتَ تَعَالَى عَلَيْهِ
 وَاسْتَمْسَتْ مَطْلَقُ هَيْتِ وَبَكِينِ بَعْدَ رُسُلِهَا أَوْدُنِ أَوْدَانِ
 تَجَّ وَعَمْرَهُ مَوْلَاكَ تَرْتَبُّ وَزِيَارَتُكَ نَظَاهُ وَرَدِّ مَدِينَةِ مَنُورِهِ سَيِّدِ الْوَالِدِ
 أَقْلِ وَبَسْتِ هَيْتِ كِهْ هِرْزِ زِيَارَتِ جَنَّتِ الْبَقِيعِ بِرْدَنِ
 رُودِ وَخُصْرُصَا رُودِ جِهْ وَرَمَشِ رَاهِ بَابِ جَبْرِ نَزْدِ بَابِ الْوَالِدِ
 وَالدَّيْلُ

وَارْتَبَا بِكُمُودِ السَّلَامِ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 كَيْفَ وَجَدْتُمْ كَلِمَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ أَغْفِرْ لِي قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَحْشَرْنَا
 فِي ذَمْرٍ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
 يَا أَهْلَ دِيَارِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْ أَفْشَاءَ اللَّهُ تَعَالَى
 يَكُمُ الْأَحْقَوَاتِ وَفَاتَحَتْهُ سُوْرَةُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَسُوْرَةُ الْحَاشِيَةِ
 سَجْدَةِ وَكُمُودِ اللَّهُمَّ أَغْفِرْ لَنَا وَلَا أَهْلَ الْبَقِيعِ وَرَدِّ
 بِهِرِ خَوَاهِدِ زِيَارَتِ دِيَارِ دُورِ زِيَارَتِ تَعَالَى بِحَقِّ وَكُمُودِ
 بِنِ غَفَا تَرْتَبُّ زِيَارَتِ كَنْدِ دَاكِ وَرَكْبَتِ بَدِي بُودِ وَكُمُودِ لَهَامِ عِبَادِ
 وَحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ وَرَكْبَتِ بَدِي بَاشَنْدِ وَكُمُودِ اِبْرَاهِيمِ بِنِ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَكْبَتِ بَدِي بُودِ هَمِ
 زِيَارَتِ كَنْدِ مَكَانِ انْمَايِدَةِ رَايَعْنِي خَوَانِ نَفْتِ كِهْ زِيَارَتِ

نازل شد برای حضرت عیسی علیه السلام و آن بر بالای کسبند
 ابراهیم است و کور با سعید غدیری در کسبند بود و او آنجا حضرت
 رسول الله است صلی الله تعالی علیه و سلم و کور نافع و کسبندی بود
 نزدیک کسبند امام مالکی و او هم اصحاب حضرت رسول الله
 صلی الله تعالی علیه و سلم و کورهای زنجان حضرت رسول صلی
 تعالی علیه و سلم در کسبند باشند و کور نام کسبند و رقیه و خرن
 حضرت رسول الله در کسبندی باشند و ایشان هر دو زوج
 امام عثمان بوده اند و کور صلیح بن قنن و ابی حضرت رسول الله در
 کسبندی بود و کور علی بن حسین و کور جعفر بن علی و کور جعفر
 بن محمد و کور محمد بن باقر و کور صفیه عمه حضرت رسول صلی
 تعالی علیه و سلم و کور تنافطه و خراسان در کسبندی
 عنما مادر علی بن اخطاب و کور سید بن جعفر صادق
 و کور عقید و او اصحاب حضرت رسول الله است صلی الله تعالی

بر او

علیه و سلم و در مسجد فاطمه زهرا نماز بگذارد و جمع ایشان در
 جنت البقیع میباشد و کور عبدالله پدر حضرت رسول الله را
 زیارت کند و راهش را و باب السلام است و هم کور ملک
 بن سنن که او اصحاب حضرت رسول الله است صلی الله تعالی
 علیه و سلم و آن از بالای کور عبدالله میباشد و مسجد عامه و مسجد
 ابی بکر و مسجد عمر و مسجد علی اینها همه در شهر مدینه میباشد
 و سنت است که روز پنجشنبه با صد رقه استنک را
 زیارت کند که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم در آن
 احد بر سر وی نهشته است و نزدیک قنور محمد و ابراهیم
 بگوید السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَارْحَمُكُمْ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مِنْكُمْ
يَا مَنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي حَقِّهِمْ وَلَا تُحْسِنُ
الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالًا بَلْ أَجْنًا
عِنْدَ رَبِّكُمْ يُؤْذِقُونَ بَعْدَ أَنْ نَأْتَهُ دَقْلُ بَوْنِ

احد و سوره الحکیم را بخواند و زیارت کند دندان مبارک شرف
 المرسلین را صلی الله تعالی علیه و علی آله و صحابه و سلم اجمعین و بر
 بالای آن ایوانی ساخته اند و کور امام حمزه و کعبه بنی هاشم بود
 که زینت بسیار و تجملات بیشتر دارد و دهم زیارت کند کور
 عبدالله بن جحش و کور معتب بن عمرو و کور شامس بن عثمان
 و از بالای کوه اقصا که شبیه است که در اینجا شیخ مارون مدینه
 و گویند که او مارون برادر حضرت موسی علیه السلام است
 و تا صبح را با پدر و برادر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه
 بگذارد بعد از آن زیارت اقصا هر دو رود و باز دعوت کند
 از برای که از درون نمازخانه خلاصه در مسجد حضرت رسول صلی الله
 تعالی علیه و سلم نمازهای فرضیه را بجماعت فوت نباید کرد
 و سنت است که در هر روز شنبه مسجد قبا آمده در اینجا نماز
 بگذارد و در وقت که انداز حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و

سلام

سلام که فرموده است مَنْ حَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَأْتِيَ
مَسْجِدَ قُبَا وَصَلَّى فِيهِ كَأَنَّمَا عَمَرَ بَيْتِي
 از خانه خود بیرون آید تا مسجد قبا آمده و در اینجا نماز بگذارد برابر
 یک عمره بود و آن اول مسجد است که حضرت رسول صلی الله تعالی
 علیه و سلم در اسلام بنا کرده است و بجا که در پس پایدار حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه و سلم آب و مان مبارک حوزا
 در آن انداخته است و اینجا نزدیک مسجد قبا است و از آن
 آب وضو کند و پاشد و زیارت کند آن چشمه را
 که آب شیرین و نفع بهم میبخشد و آن یک آب است و در
 وقت بیرون آمدن از یکدیگر جدا میشوند بقدرت خدا تعالی
 و در چشمه هم نزدیک مسجد قبا است و مسجد فسخ باید
 و آن بر سر خندق است و در اینجا نماز بگذارد و دعا کند
 و مسجد قبلتین یعنی مناجبت و قبله باید و در اینجا نماز

بگذرد و دعا کند یا ایاک نعبد و یا ایاک نستعین بعد از آنکه اول قبله مسجد الاقصی بوده پس در مسجد
 در آنجا نماز حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
 و حجی نازل گشت که تاروی در کعبه عظمی کند لهذا مسجد مذکور
 قبلتین موسوم گردید و مسجد واره پایید و در آنجا نماز بگذرد و
 دعا کند و همچنین با آنجا هم آمده که حضرت رسول صلی الله تعالی
 علیه وسلم روز آنجا وضو غسل کرده و آب خورده است
 و آن هفت چاه است و از برای شفا و تبرک از آن آب طلب نماید
 بر سطح برکت آن حضرت صلی الله تعالی علیه وسلم و اگر ممکن
 شود که جمله زیارتخانه که در مدینه منوره است در یا بزرگ ضعیف عظیم
 در و در آنرا غنیمت شمارد و چون از راه سفر و یا کشتن روی
 وطن خود یا بجای دیگر داشته باشد سست است که مسجد را
 بدو رکت نماز و ادعای دعا کند از برای هر چه خواهد بود یا ایاک نعبد و یا ایاک نستعین
 بسوی مرتد شریف آن حضرت صلی الله تعالی علیه وسلم پایید
 و صلوات

و صلوات و دعا میکند در بیت دارنایست مذکور شد
 اعاده نماید و چون فارغ شود از باب الرحمة بیرون رود
 در میان فضیلت که مکرّمه و کعبه عظمی زادگاه الله شرفه تقیما و
 بیکار و است میکند عباس از حضرت رسول صلی الله تعالی
 علیه وسلم که فرموده است صلوة فی المسجد الحرام مائة
الف صلوة و کذا کل حسنة یأخذ الف یعنی یک
 که در مسجد الحرام بگذرد برابر صد هزار نماز بوده و همچنین هر یکی
 که در آنجا گشت صد هزار یکی بود و است میکند حسن بصری
 رضی الله تعالی عنه که میگوید که در یک روز که در کعبه بوده باشد برابر صد هزار
 روزه بود و یکدیگر هم که صدقه کند صد هزار در هم باشد و
 همچنین هر یکی که در آنجا گشت صد هزار یکی باشد و است
 میکند عبد الله بن عباس از حضرت رسول الله صلی الله
 تعالی علیه وسلم که فرموده است یکری علی هذا لیسبت

عبد الله بن عباس

فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَتَ وَعَشْرِينَ رَجُلًا سَيُؤْتُونَ لِلطَّائِفِينَ
وَأَرْبَعِينَ لِلصَّالِحِينَ وَغَيْرُكَ لِلطَّائِفِينَ یعنی که نازل
 می شود در اینجا کعبه در هر روز یکصد و بیست و چهار نفر
 طواف کنند که آن و چهل بر نماند که آن و بیست و چهار
 کنند که آن و بیست و چهار است صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ
تَدَّ وَعَدَ هَذَا الْبَيْتِ أَنْ تُحْجَّ كُلَّ سَنَةٍ سِتِّينَ
أَلْفٍ فَإِنْ تَقَضَّوْا كَمَلَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْمَلَأَنِي
 یعنی که خدا تعالی باینجا کعبه وعده فرموده است که هر سال
 شصت هزار کس باید از آنجا بیرون کنند و اگر ازین مسا
 که باشد خدا تعالی آنرا بکمال تمام گرداند و در هر حج یکصد
 آدمه است إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَمَّا قَضَى مَنَاسِكَ
لِقَبْتِهِ الْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا اتَّبِعْكَ يَا آدَمَ لَقَدْ
حَجَّجْنَا هَذَا الْبَيْتَ فَبَلِّغْ بِالْفَيْ عَمَّا
 می کند

یعنی که چون آدم علیه السلام مناسک حج را بجای آورد ملائکه باو
 رسیدند گفتند ای آدم بنویز برقه باو حج تو که ما هر سه پیش
 از تو بدو هزار سال اینجا را زیارت کرده ایم حضرت رسول
صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ
حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا فَمَاتَ أَجْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ
أَجْرُ الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ یعنی هر که بیرون آید
 از خانه به نیت حج یا عمره پس بمیرد خدا تعالی اجرت حج کننده
 و عمره کننده باو کرامت خواهد فرمود تا روز قیامت وَمَنْ
حَضَرَ رَسُولَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است مَنْ
مَاتَ فِي أَحَدِ الْمَدِينَتَيْنِ لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يُحَاسِبْ
وَقِيلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ یعنی هر که در یکی از خرم که یا خرم
 بمیرد او را حساب و کتاب نبوده و اهل بیت خواهد شد
 و نیز فرموده است صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حجّه مبرور

لَيْسَ لَهَا جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ بِمِثْلِ هِيَ جِئَ كَيْفَ يَذْرُؤُهَا
 تَعَالَى جَزَاءُ الْآنَ هِيَ نَيْتُ الْآنَ كَيْفَ يَذْرُؤُهَا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَجَّةً مَبْرُورَةً لَيْسَ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا
 وَمَا فِيهَا بَلَى جِئَ كَيْفَ يَذْرُؤُهَا تَعَالَى زَرْوَانَا
 هَرَمٌ زَرْوَانَا هَرَمٌ مَبْرُورَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 طَوَّفَ سَبْعَةً أَسَابِيعَ يَعْدِلُ عُمْرُهُ وَثَلَاثَ
 عُمُرٍ يَعْدِلُ حَجَّتُهُ بَعْنِي هَفْتُ بَارَكَةُ طَوَافٍ كَسَنَدِ
 بَرَابَرِ كَعْبَةٍ هَفْتُ دَسَمُهُ بَرَابَرِ كَيْفَ جِئَ بَرَابَرِ حَجِّ جِئَ
 وَجَارِي أَدَمَ هَفْتُ كَيْفَ خَفْتُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فَرَمُودُهُ هَفْتُ مِنْ طَوَافٍ أَسْبُوعًا خَافِيًا حَاسِرًا
 كَانَ لَهُ كَعْبَتَيْنِ رَقَبَتَيْنِ هَفْتُ هَرَمٌ بَارَكَةُ دَسَمُهُ
 كَعْبَةٍ رَاطَوَافٍ كَعْدَاوَرِ جَانٍ بَرَابَرِ كَعْبَةٍ زَرْوَانَا
 هَفْتُ مَبْرُورَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ طَوَافٍ
 اِسْبُوعًا

اِسْبُوعًا فِي الْمَطَرِ خَفِيَّةً مَا سَلَفَتْ مِنْ دُفُوعِهِ بَعْنِي
 هَرَمٌ دَرُوقَتِ بَارِيدِنَ بَارَانِ هَفْتُ بَارَكَةُ رَاطَوَافٍ كَعْدَاوَرِ
 كَعْبَةٍ كَعْدَاوَرِ هَفْتُ هَرَمٌ بَارَكَةُ زَرْوَانَا هَفْتُ زَرْوَانَا
 بَنَ جَانِ مَبْرُورَةً هَفْتُ هَرَمٌ كَعْبَةٍ رَاطَوَافٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 دَسَمُهُ مَبْرُورَةً هَفْتُ مِنْ طَوَافٍ بِالْبَيْتِ خَمْسِينَ مَرَّةً
 حَرَجَ مِنْ دُفُوعِهِ كَعْبَتَيْنِ وَثَلَاثَ أَمَّةٍ اِتْمَعَهُ الدُّنْيَا بَعْنِي هَرَمٌ
 نَجَابَةٍ بَارَكَةُ رَاطَوَافٍ كَعْدَاوَرِ هَفْتُ بَارَكَةُ زَرْوَانَا هَفْتُ
 زَرْوَانَا دَرُوقَتِ بَارِيدِنَ هَفْتُ هَرَمٌ دَرُوقَتِ طَوَافٍ نَجَابَةٍ
 طَوَافٍ تَامَ هَفْتُ هَرَمٌ كَعْبَةٍ رَاطَوَافٍ كَعْدَاوَرِ هَفْتُ
 تَامَ هَفْتُ زَرْوَانَا هَفْتُ هَرَمٌ دَرُوقَتِ زَرْوَانَا هَفْتُ
 تَعَالَى عَنَهُ كَعْبَتَيْنِ رَاطَوَافٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 بَرَابَرِ كَعْبَةٍ هَفْتُ هَرَمٌ دَرُوقَتِ زَرْوَانَا هَفْتُ
 مَسْجِدِ كَعْبَةٍ هَفْتُ هَرَمٌ دَرُوقَتِ زَرْوَانَا هَفْتُ

مسجد الاقصی و کعبه است میان آنها چند بوده است و مودود چهل
 سال بدانکه خانه کعبه را زادگاه شرف و تقصیر مایه بخیر بآنج بار
 بنا کرده اند بار اول ملائکه بنا کرده اند و بعضی گویند آدم علیه السلام
 و اختلاف بر آن قدم است بار دوم لبراکیم علیه السلام بنا
 کرده است بار سوم ایل ویش در جاست یعنی پیش از
 زمان اسلام بنا کرده اند که هر آنکه حضرت رسول صلی الله تعالی
 علیه وسلم خود نیز حاضر وقت بوده اند چنانکه در حدیث صحیح
 ثابت گشته بار چهارم عبد الله بن زبیر رضی الله تعالی عنهما
 بنا کرده است بار پنجم حجاج بن یوسف بنا کرده است
 و آن این بنا بود که امروز موجود است بدانکه قول حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه وسلم و قول جمیع صحابه و علماء
 با اتفاق بر آنست که مقدر رسالت که از حجر اسمعیل علیه السلام
 از بیت مکه محسوبست و چون عبد الله بن زبیر خود این سخن را

ادامه

در حضرت رسول از صلی الله تعالی علیه وسلم شنیده بود
 وقتی که او بکعبه رفت رکن عراقی و رکن شامی را خراب کرد
 مقدر رسالت که یزید است را واپس آورده حجر اسمعیل علیه السلام را
 نیز داخل بیت نموده بار آنرا تعمیر ساخت بعد از آن که حجاج بن
 یوسف بکعبه آمد و عبد الله بن زبیر را بکشت آن بنا را بر زمین
 رها کرد بنای قدیم تعمیرش نمود و چون رکن عراقی و رکن
 شامی بنای جدیدند لهذا اخبار را در طواف اسلام
 نخواهند کرد **در بیان گناه کردن در مکه مکرمه** ابن مسعود رضی الله
 تعالی عنه گوید هیچ شهری نیست که بنده را در آنجا محض اراده کردن
 بدی قبل از شروع در عمل مواظف نمایند مگر در مکه که در آنجا
 بجز اراده نمودن بدی مورد مواظف و عقوبت خواهد شد
 گفته الله تعالی و من یزید فیها بالیا و یظلم نذی فیه من
 مذاب الیم و گویند چنانکه حسنات در مکه مضاعفست

سیات نیز در آنجا مضاعف بود و جد الله بن عباس گوید
 که حکام یعنی نگاه داشتن کدوم و غلات و ماکولات برای
 روز گرامی تا بجای کرانتر بفرستند در مکه از جمله بدی رسیدنی
 باشد که در هر کعبه است یعنی مستوجب عقوبت و عذاب
 ابریم کرد و بنا بر دلالت کردن آیت سابق بقوله و کونید دروغ
 گفتن نیز از آن جمله است و در نتیجه خوف اینکه حکام و کذب در
 مکه مکرر از بدی و پدیده بود بعضی از اهل تقوی در آنجا توقف
 اختیار نمایند و قضا حاجت یعنی بول و غایط را
 هرگز در حرم شریف نمیکند بلکه از برای قضا حاجت از حرم شریف
 بدر بردن میروند تا حق کعبه معظمه سجا آورده باشند **در بیان**
صفت حرم شریف بدانکه خوش مت الله و زمان
 حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم پیش از آن که ملک
 بوده و آنان بزرگست و عدالت محل اول آنکه سی و سه ستون

اعطاء

اعطاء آنجا نگاه کرده است و این استوفی سه گز و نیم است بجز
 شاهی و زربالای مجموع ستونهای تری از این چنان نصب
 کرده اند که یکسر آن مثلا درین ستون است و سه دیگرش در
 در ستون دیگر باشد و از هر یک از آن تیرها هفت قندیل کعبه
 باشند و ستونها جمله از مفرق اند و مکرر ستون که آنجا از
 مرمر سفید باشند یکی نزدیک بزرگ است و دیگری نزدیک بزم
 بود و مقام ابراهیم علیه السلام داخل خوش اوست و آن
 اکنون مقام شافعی باشد از برابر چنان شریف و منبر بزرگ
 راست مقام ابراهیم است و در زمزم رجا نب چپ و باب
 بنی شپه از پس آن بود و مقام ابراهیم سنگی است که در
 وقت ساختن کعبه اسمعیل علیه السلام بر بالای آن رفته است
 و از خود از زمین چندان بلند شده که اسمعیل سنگ و کل را
 بدست ابراهیم علیه السلام داده پس بر زمین فرو آمده است

و همچنین تا آخر آن سنگ از پشت آمده است و تمام نمودن
شافی بر بالای کعبه در منور و برابر مشرق بود و تمام حقی خارج
ستونها در برابر بزیاب الرحمن باشد در پائین رکن عراقی و
رکن شامی و تمام حقی هم از بالای تمام حقی است و تمام
مالکی خارج ستونها است در پائین رکن شامی و رکن یانی
و تمام جنبی خارج ستونها است در برابر کنار حجر الاسود
و پیش مطرف رکن یانی بود عرض خانه کعبه از رکن حجر الاسود
تا رکن یانی ده گز و نیم است بگز شامی و مغرب در برابر رکن
یانی باشد اما پیشتر میل بر رکن شامی در در طول خانه کعبه
رکن یانی تا رکن عراقی ده گز و نیم است بگز شامی و از رکن عراق
تا رکن حجر الاسود دو اندازه گز و نیم است بگز شامی و کمتر بود و پیشتر
و مشرق در برابر حجر الاسود بود اما پیشتر میلش بکعبه باشد
و حجر الاسود در آن رکن است که نزدیک باب کعبه بود و در

باز کردن

جانب مشرق و از آن رکن الاسود نیز کویند و بلندی حجر الاسود
از زمین یک گز و ربع گز باشد بگز شامی طول مشرق دو گز و
ربع گزی باشد بگز شامی و مشرق پائین باب کعبه و حجر الاسود
است عرض شانزده آن شریف ربع گز و شش ربع گزی باشد
بگز شامی و شانزده آن زائده و پور است در زیر هر چهار طرف
دیوار کعبه طول عین شریف دو گز است که نصف شش گزی
که کمتر بود بگز شامی و عرض عین شریف یک گز و شش ربع گزی باشد
بگز شامی و عین شریف یانی است که حضرت ابراهیم
علیه السلام کل دیوار کعبه را در آنجا بجهت آورده است پائین
باب کعبه و عین شریف نیم گز است بگز شامی و در عین شریف
سنگی مهر سرخ کوچک است از طرف کعبه هر که زبان
خود را بر آن سنگ بگذرانند زبانش در گشاید و خط خوانند
طول حجر اسماعیل علیه السلام هفت گز و نیم است بگز شامی

عرض دیوار حجره میل علیه السلام یک کریم است مگرین کنی
 که کمتر بود بکشای و حجره محلی است میان رکن عراقی و شای
 و بندی باب کعبه از زمین یک کریم است بکشای عرض
 باب کعبه یک کریم است بکشای و باب کعبه از طلا
 بدانکه خانه کعبه دو طبقه باشد اما چگونگی طبقه سفلی آنکه
 اندر دوش بهر سنگ مرمر سفید است و ستون دارد
 از چوب دیوارش و ستونهایش طلاست بکشای و برش سرخ
 پوشیده شده و یکی است بکشای و برش سفید لا اله الا الله
 محمد رسول الله و مجموع قرآن مجید و تمام اسماء الله نوشته شده
 و نزدیک رکن عراقی دربی باشد و آن در دو نام دارد و باب
 و باب التور و مقصد است برکن عراقی در راه طبقه علیا
 ازین در میزد و اما چگونگی طبقه علیا آنکه بقدر قاست مردی
 معتدل القاست که در آنجا است تواند است ساجد
 بکنی

کنجش ندارد بلکه پشت خود را خم باید کردن تا در آنجا توان
 کعبه بدین استونهایش از چوب بیشتر بود و بام کعبه بکعبه
 سفید شفاف براق کسره شده و گرداگرد بام از همه اطراف
 دیوار است و بندی آن از بام بقدر یک کریم است بکشای باشد
 و در آن دیوار حلقه های بسیار بود که پرده کعبه معتدله را از همه
 جانب بدان آویخته اند و در یکایم هر حلقه از آنها حلقه نیز
 در شانزدهان دارد که از طرف زیر دامن پرده را بان می کشی
 کنند و نیز آب یعنی نودان در بام کعبه یکی بود که از طلا
 خالص ساخته اند و آن دو پاره است یک پاره اش ساق
 نودان بود و پاره دیگر بدان ساق آویخته باشد چنانکه
 بوزیدن باد یا چری دیگر که بدان برسد تحریک میشود و آن
 در میان رکن عراقی و رکن شای باشد چنانکه دوری آن
 از هر یک ازین کریمان است و آبی که از باران از آن
 می افتد

جاری کرد در حجر اسمعیل علیه السلام فروریزد و در خوش بزرگ
 شش ستون است از غرق که در خوبی درنگ مانند طلا باشند
 و انقا را شجره انور گویند زیرا که سرستونها مانند شاخ درخت
 و بر هر ستون سی قذیل آویخته باشند و آن ستونها یکی از طرف
 باب النمره است و یکی از برابر باب الزبارة است و یکی از طرف
 باب السلام است و اینجا از طرف حجر اسمعیل علیه السلام است
 و یکی از طرف باب الوداع است و یکی از برابر باب الجباة است
 و یکی از طرف باب علی است رضی الله تعالی عنه **صفت**
منبر باب منبر از زرد معدنی مشبک است و منبر
 از مرمر سفید بود و از بالای آن کتب بدست از مرمر سفید و از
 بالای چهار ستون است از مرمر سیاه و از بالای ستونها
 کتب بدست از مرمر سفید و از بالای آن قبه است از
 طلای خالص مانند سرسره و بلند است آن بقدر سه کزیم است
 برآنی.

بگزشای و از بالای آن نوشته شده الله محمد و پاهای منبر
 پانزده است و چاه از مرمر در میان کتب بدست و صفت
 کنایه چاه از مرمر سفید است و بلند است صفت از زمین یک کز
 و من کزی باشد بگزشای و کنایه صفت شبک است
 بقدر نیم کز بگزشای و یک تیر از آن بر هر دو طرف دیوار است
 حکم نموده اند که رستهای چاه از مرمر از آن آویخته اند انبار است
 سپرد و کتب بدست از مرمر و دو در سن چاه از مرمر در ایام حج
 است باشد و گوشش شازده و بعد از پنج رشت چهار و دو گوش
 است باشد و کوزهای آب سپرد کرده در خوش بزرگ است
 هیچ پسر بود که حساب آنها را کند مگر خدای تعالی جل
 خوش است الله کعبه و چهار گوشش که است بگزشای خوش
 نود و شش کز بگزشای و منبر از حج هم کوزهای آب سپارند
 و لیکن سپرد نیست و نزدیک تمام جنبی حجه است متصل

کعبه بنزد زمزم که جای اقامت کعبه است و اقرار در اصطلاح مسجد است
 پادشاهی را گویند که او را ضعی کرده باشد بجهت خادمی کعبه در
 حوش بزرگ و کعبه دیگر است کعبه دیگر نزدیک زمزم بود
 جای ساخته های بزرگ و کوچک است و کعبه دیگر جای کوچکی
 کعبه است و کعبه دیگر حج حجه دیگر هم باشد و ایوانهای مسجد
 احرام کعبه مسجد و ضعی است غیر از ایوانهای حوش باب
 الزباید و حوش باب ابراهیم علیه السلام باین تقصیر که از
 طرف باب اسلام تا باب عمه سی و شش ایوان است و از طرف
 باب عمه تا باب الوداع پست و چهار ایوان است و از طرف
 باب الوداع تا باب علی سی و شش ایوان است و از طرف
 باب علی تا باب اسلام پست و چهار ایوان است و نیز
 هر ایوانی سه ایوان است در میان یکدیگر و لیکن از ما بین باب
 تخیه و باب الجناح چهار ایوان در میان یکدیگر میباشند طول

هر ایوانی سه ایوان است در میان یکدیگر و لیکن از ما بین باب
 ایوانها بجهت کعبه باشند و مسجد احرام عبارت از این
 و حوش پست است و ستونهای مدرسه مسجد احرام مسجد
 ده است و پایهای ایوانهای مسجد احرام مسجد و ضعی است
 و ستونهای مقام شافعی شش است و ستونهای مقام
 خفی شش است و پایهای مقام خفی چهار است و ستونهای
 مقام مالکی چهار است و ستونهای مقام حنبلی چهار است
 و جمع قدیها در مسجد احرام شصت و سی و شش است و از آنجا که
 متذکرینهای کعبه زاده الله شرفاً و دیت و پست و چهار
 و متذکرینهای ایوانهای مسجد احرام مسجد و متذکرین است و
 متذکرینهای مقام ابراهیم علیه السلام که آن مقام شافعی بودند
 و متذکرینهای متذکرین شافعی که بر بالای کعبه بنزد زمزم باشد چنان
 و متذکرین مقام خفی یکی است و متذکرین خفی سه است و متذکرین

تمام مالکی دوست و قدیل مقام حبلی دوست و قدیل جای
دو در زمرم چهار است و قدیلهای باب بیست و ششم است
قدیل کتب بدخوزه که جای ساحتی بزرگ و کوچک است
دوست و قدیلهای آن شش ستون مذکور که در خوشنیک
کعبه باشد مقصد و هشتم است و سه شمع که بلور بر سر
نکون کرده اند در میان باب کعبه باشد و نذر شمعان
نقره یکی است و آن سه شمع و در هر یک بزاری کشی و نذر
بقای سی گشته گویند و آن بخور است که از دواهای بسیار
خوشبوی میسازند و چون بسوزانند مانند باره آتش میخشد
و خطرش و با خواص تازه و دل را مسرت بی اندازد
می بخشد و اینهم در میان باب کعبه باشد و دیگر سه شمع
در پایین باب کعبه و همین شریف باشد و فانوس غرق
که در خوبی و نیک مانند طلا بود و گویند که از طلای نقره
پا زده اند

پا زده است و در هر فانوسی چهار شمع بلور نصب کرده اند
و از آنجا دو نزدیک باب کعبه بود از پایین و دو در حجر
اسمیر علیه السلام بود و دو در مقام شافعی بود و دو در مقام حنفی
دو در مقام مالکی و دو در مقام جمعی بود و یکی نزدیک
یکی نزدیک رکن یانی و یکی در پایین رکن عراقی و منبر بود
لیکن دوام روشنائی این فانوسها اندک باشد و جای نزدیک
کعبه از پایین زمرم و باب بیست و ششم بود و پایه مایش پا زده
در میان صفت ترتیب نماز جماعت در مسجد الحرام را
آنکه شرفا بدین صفت که نماز طه اول امام حنفی نماز میکند و بعد از
آن امام شافعی و بعد از آن امام مالکی و نماز حضرت عیسی و نماز
اول امام حنفی نماز میکند و بعد از آن امام شافعی و نماز
اول امام حنفی نماز میکند و بعد از آن امام شافعی و بعد از آن
امام مالکی و نماز مسجد اول امام شافعی نماز میکند و بعد از آن

امام مالکی و بعد از آن امام حنبلی و بعد از آن امام حنفی اما
نماز جمعه بدانکه در هر ماه چهار جمعه باشد جمعه اول ماه امام
 حنفی نماز میکند و جمعه دوم امام شافعی و جمعه سیم امام مالکی و جمعه
 چهارم امام حنبلی لیکن وکیل هر چهار مذنب امام شافعی
 بود و بزرگترین مؤذنان مؤذن شافعی بود و در مجاهد اکرام
 چهار شافعی و چهار قاضی باشند بحسب چهار مذنب **در بیان**
بابهای مجاهد اکرام مقصود بدانکه جمیع بابهای مجاهد اکرام
 یکصد و دوازده است که نه کمتر باشد و نه بیشتر اما بابها که از آنها
 آمد و شد به بیرون میکنند چهل است و دیگر بابهای هجده چهل
 هفت است و بابهای مدرسه هشت است و بابهای
 مناره هفت است اما بابها که از طرف مشرق باشند این است
 باب علی رضی الله تعالی عنه است باب عباس رضی
 تعالی عنه است باب ابی بنی صلی الله تعالی علیه و سلم و است
 باب **باب**

باب حجره و مناره یکی است **باب** السلام سه است **باب** بجای
 حجره چهارده است اما بابها که از طرف شمال باشند این است
باب در سه یکیت **باب** مدرسه سلیمانیه یکی است **باب**
 مدرسه قاضی و مناره یکی است **باب** الزیاده سه است و در اینجا
 حوشی است **باب** القطب یکی است **باب** بطییه یکی است
باب زبانه یکیت **باب** العین یکیت **باب** بجای مناره
 سه است **باب** بجای حجره سه است اما بابها که از طرف مغرب
 اینست **باب** سمره یکی است **باب** مدرسه داوودیه یکی است
باب مدرسه اسحق یکیت **باب** مدرسه یحیی یکی است **باب**
 مدرسه سید عقید یکیت **باب** مدرسه هندی یکی است
باب ابراهیم علیه السلام یکی است و در اینجا حوشی است
باب مدرسه عبدالرحمن قنق یکیت **باب** الوداع از مسجد
 دوازده است و از حوشن یکیت **باب** حجره و مناره یکی است

اول کور عبدالله بن زبیر باشد و او اصحاب حضرت رسول صلی
 علیه وسلم است و کور هماد خراسانی بکر رضی الله تعالی عنه
 کور شیخ احمد مشهور باین مجسمه کور شیخ طبری نزدیک ابن
 کور شیخ هبیب الله و کور شیخ محمد صالح قرشی و کور شیخ ابراهیم
 خیزی و سایر صحابه و علما و اولیا و شهداء در آنجا هستند و در کور
 ستمان و قوم کور آمده خاتون مادر حضرت رسول الله صلی الله تعالی
 علیه وسلم در کسبندی بود و کور صدیقه خاتون زوجه حضرت
 رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم در کسبندی بود و کور سید محمد و
 در کسبندی بود و کور کای سلاطین مصر در کسبندی باشند
 عبدالرحمن بن ابی بکر رضی الله تعالی عنهما و کور محمد بن ابی بکر رضی الله
 تعالی عنهما و کور ماریه و خیر شمعون قطیفه جاریه حضرت رسول
 الله تعالی علیه وسلم که مادر ابراهیم بوده و کور مادر عبدالرحمن
 زوجه ابی بکر رضی الله تعالی عنه و سایر صحابه و علما و اولیا و شهداء
 در آنجا

در آنجا است و کور ابو طالب زیارتش روایت و
 مسجد اجابه و مسجد رایه و مدعا و آن در بازار باشد از راه عراق
 مدائن و میل انداز برابر یکدیگر نزدیک تکیه خورشید اهلین
 و مسجد حسین سلطان عبدالقادر کیلانی قدس الله تعالی سره
 انزیر و مدعا مکان دعا کردن حضرت رسول الله صلی الله تعالی
 علیه وسلم و صفاه و مروه و مسجد دارالخیرین که عمر بن خطاب
 رضی الله تعالی در آنجا مسلمان شد و چون حضرت عمر رضی الله
 تعالی عنه بجهت معیت از ناگاه پان مجسمه در آن حضرت رسول
 صلی الله تعالی علیه وسلم پشت مبارک خود را به یو یو مسجد
 که از کوه صفاه بود بخداوند خود در بقدر پشت مبارکش و پشت
 اکنون هر که در پشت داشته باشد چون پشت خود را به
 انوضع مبارک گذارد الله در او شش تکلی رفع شود و آن مسجد
 صفاه باشد و فانه امام عباس که از برابر باب عباس باشد

و خانه مذکور الآن مدرسه است و آن سنگ که سلام کرد بر
 اشرف المرسلین صلی الله تعالی علیه و سلم علی آله و اصحابه اجمعین
 در پیش راه باب البقیع است و سنگ مذکور را در دیوار
 نصب کرده اند و مکان ابی بکر رضی الله تعالی عنه نزدیک آن
 بوده و مکان منور الان مسجد است و مکان توبه طریقت علیه
 نقشبندیه خاندان میباشد قدس الله تعالی ارواح امانیها و
 اسرارها و ایضا و خانه حدیقه خاتون نزدیک و مکان توبه
 خانه حدیقه خاتون باشد از طرف جنوب و حوشی کوچک
 دارد و در میان حوش سه باب یکی از طرف مشرق و یکی
 در میان مشرق و شمال و یکی از طرف مغرب و این باب غایب است
 و آن باب که از طرف مشرقست خانه است و در آنجا
 سه باب است باب اول از طرف جنوب آنجا حضرت رسول
 الله است صلی الله تعالی علیه و سلم و آن حجره کسبیدی که چاکست
 در آنجا بود

و در آنجا محرابی باشد در آنجا نماز بگذارد و دو محراب و باب و نیم
 خانه حدیقه خاتون است و آن کسبیدی بود و در آنجا حجره
 باشد در آنجا نماز بگذارد و دو محراب و باب است خانه حضرت
 فاطمه و مولد او است نماز در آنجا بگذارد و آن باب که از طرف
 بود باب مسجد البقیع است صلی الله تعالی علیه و سلم و این مسجد بود
 در آنجا خیران هر دو مکان نماز و مصلحت آن حضرت با صحابه بود
 و مسجد در آنجا خیران را در الدرغم نیز گویند و مکان مصلحت آن حضرت
 با کفار در آنجا بوده و آن اکنون مقام حنفی است و خانه
 عبد الله پدر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم را
 باب علی است رضی الله تعالی عنه و آنجا کسبیدی در آنجا
 چهار جای باشد یکی مریم و شجره انان ماد حضرت عیسی علیه السلام
 و جای حواء اتم البشر و جای آسیه و شجره انان زن فرعون
 و جای ساره خاتون زن ابراهیم خلیل الله و این زنان همه

آنکه خاتون آمده اند در وقت ولادت آنحضرت صلی الله علیه و آله
 علیه وسلم و این چهار جای که مذکور شد اکنون برده سیر می شود
 و در وسط آنخانه سنگی نهاده اند که در میان ولادت
 سر مبارک آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بماند
 و بقدر در سر مبارکش کوه شده است و بر بالای آن سنگ شهاب
 مانند سرنارده ساخته اند و آنرا هم برده حیرت برپوشانده با
 طلا مزین کرده اند و خانه مولد علی رضی الله تعالی عنه از بالای
 حضرت رسول الله است صلی الله علیه و آله و سلم و در کوه ابی قیس
 نزدیک جای حجر الاسود نازک گرد و دو عاکنه بدانکه چون خدا تعالی
 حجر الاسود را از پیش بر زمین فرو فرستاد اول آنرا بر بالای
 ابی قیس نهادند و بر بالای کوه کلمه کعبه کوفتند بخود و از روی
 آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم زیرا که هر کلمه کوفتند بر بالای
 کوه ابی قیس بخود و دیگر آنکه هر کلمه کوفتند و کوه شهاب
 که آنرا کوه

نزدیک کوه ابی قیس است و خانه امام عثمان بن عفان رضی الله عنه
 تعالی عنه الآن مدرسه است نزدیک باب ابراهیم و از بالای
 آن خانه ابی قحافه است مولد امام ابی بکر رضی الله تعالی عنه و از
 بالای آن مولد امام حمزه است رضی الله تعالی عنه و کورستان
 شبیکه راهش راه باب ابراهیم است و همان باران می رود
 از طرف مغرب بقدر ربع ساعتی اقل و در آنجا از صحابه و علمای
 و اولیای و شهدا پنهانند و از بالای آن از طرف شب
 کوهی است که نامش جبل عرب بود و خانه عمر بن الخطاب برین
 کوه است و آنخانه اکنون خراب است و اما آن غار که در کوه
 نور باشد و آن در قرآن مجید مذکور است قوله تعالی ثانی
 اَشْنٰى اِذْ هَمَّ اَنْفَعَادِ السَّاعِیْنَ اِذْ لَمْ یَكُنْ لَیْلٌ وَّ سَاعٌ اَسَیْ
 و ربع ساعتی است و راهش راه باب الشریف بود و از جانب
 راست قلعه عقیق و آنرا همه کوه سار و سکنه است مگر

اندکی در میان دو کوه که آن کوه ساریست و آن غار دو
 باب در دراز باب اول داخل شود و آن باب چهار کوه است
 در آنجا نماز بگذارد و دعا کند و از باب جبرئیل بیرون رود و آن
 باب چهار بزرگ است باب اول از طرف مغرب است و باب
 جبرئیل از طرف مشرق و از بالای آن غار هم غار دیگر است که
 عبد الله بن عباس رضی الله تعالی عنهما کتاب جلالین را در
 آنجا تصنیف کرده است و از بالای کوه ثور جانی است که حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه سلم بعد از بیرون آمدن از غار با
 جبرئیل و ابی بکر رضی الله تعالی عنهما نشسته اند و اما کوفه نور
 مسافتش از مکه یک ساعت و ربع ساعتی باشد و راهش راه
 مسجد الحصب است از بالای حبه المعلقه و جانی که شکم مبارک
 آنحضرت را صلی الله تعالی علیه سلم در آنجا شکافتند از
 بالای کوه نور است از طرف رست آنجا مسجدی کوچک است
 در آنجا

و از طرف چپ تیر مسجدی کوچک باشد که هیچ سقف
 ندارد و درین مسجد نماز بگذارد و دعا کند بعد از آن بقدر ربع
 ساعتی بطرف قبله رفته غار حرار زیارت کند و آن غار است
 که در آنجا سوره اقره نازل گشت و حضرت رسول صلی الله تعالی
 علیه وسلم هم پیش از نبی در آنجا عبادت حجت بجا می آوردند و بعد از آن
 میگردند در آن غار نماز بگذارد و دعا کند و جای آمدن
 که در زیر آن شش تن از عشره مبشره پیوسته گردیده اند
 رسول الله صلی الله تعالی علیه سلم جای آمدن کشتی
 سفید است و آن در قهوه خانه شمش باشد و در پیش راه
 جد است از مکه مکرمه تا شمش شش ساعت و نیم است
 و در در این علم مکرمه قبور اولیا را زیارت کند شمس عبد
 خدیقه نزدیک کورستان شبیکه و شیخ مارون نزدیک
 خانه شریف مکه و سید علی بدوی نزدیک تکیه شیخ عبد

کسبانی قدس الله تعالی سوره بغیر و شیخ محمود در راه عمره نکرده
 اول خانه مای که مکته زاده الله شرفا در **پان صد و نهم مکته**
 بدانکه مدحرم مکته از چهار اطراف بدن موجب است که از
 طرف مشرق تا آن دو میل عرفات ساقش شش است
 و از طرف مغرب تا قریه مد است ساقش شش است و تمام
 و از طرف جنوب تا کوهی است که از پس جبل ثور میباشد ساقش
 چهار ساق است و از طرف شمال تا آن دو میل است که نزدیک
 مسجد بقیات عمره میباشد ساقش کیست **در بیان**
احرام بدانکه وقت بطن احرام حج در مذبح شافعی است
 ششم ماه ذوالقیعه احرام است و نام بقیات شافعی بیست
 است و دوری آن از مدینه منوره سه ساعت است و وقت بطن
 احرام حج در مذبح حنفی دوم ماه ذوالحجه احرام است و نام
 بقیات حنفی قریه راسخ است و دوری آن از مدینه منوره
 هفت فرسخ

هفت فرسخ بمذبح شافعی حجاج و میقات اهل مکته نفس مکته است
 در بیان ارکان حج و عمره بدانکه ارکان حج شش است
 ارکان عمره پنجست اول بطن احرام است و آن از برای
 حج و عمره رکن است و حاجی را در و جای غسل کردن است است
 از برای احرام و از برای در آمدن در مکته و از برای ایستادن بطن
 بعد از صبح روز عید و از برای طواف افاضه و از برای ستر آ
 در غسل در سه روز ایام التشریق و از برای سنگ انداختن
 بجهات و از برای طواف و ادای بآب زمزم و در سنت غسل
 وزن در آن کیاست وزن که در حیض و یا در نفاس بود یعنی
 زائیده باشد و خون از وی آید و هر که آب نیابد تمیم کند
 لیکن زن که در حیض و یا در نفاس بود غسل کردن بآب زمزم
 روا نباشد و جامه احرام بعد از غسل از بقیات پوشد و جامه
 احرام از همه انواع درست بود مگر از جامه ابریشم که درست نباشد

وفاضلترین جای احرام سفید است اگرچه روخته باشد و اما زن ریوش
 در حق وی همچون سر و سر و باشد پوشیدن زیر پا که سر و
 بر بنه باشد پس زن پا که سر و پا بر بدن خود را سواوی روی
 بجا بر دوخته پوشاند و سنت است که در وقت بستن احرام
 زن آبرو باشد و سوی غبل بکند و سوی سبیلت زن آبرو
 بسدر و خطمی بشوید و تن خود را خوش بشوی کرد و اند و از ار و در او
 نعلین پوشد و سنت است که از ار و در او هر دو سفید و نو
 باشند و زن کین که است است و سنت است که پیش از
 احرام دو رکعت نماز بکند و در آن سجدی که از سر بر علی در پیش اند که
 مانده است در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قیامتها الکا
 فرون بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه قیامتها الحمد
 و بعد از نماز است احرام کند و بگوید اللهم انی اودع
الحج فیتیره لی و لقبته لی و نیت که حج و
 افرق

انی نوبت الاحرام بالعمرة بها منتمعا الی الحج اللهم
 لیسه عیالی فان حبسنتی خایسا فحلی حبس
 حبسنتی لبیتک عمره منتمعا بها الی الحج اللهم
 انی اربدا الحج فیتیره لی و لقبته لی منی نوبت الحج
 و اخر منی بر الله تعالی و چون احرام بست بگوید
 اللهم لبیتک لا شریک لک لبیتک ان الحمد
 و النعمة لک و المملک لا شریک لک لبیتک است
 هر بار که لبیتک میگوید سه بار تکرار کند و چون از لبیتک
 شد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد از برای بزرگوار
 تعالی عنه منقولست که گفت از حضرت رسول صلی الله
 علیه و سلم پرسیدم که کدام حج فاضلتر است فرمودند
 الحج و الشح که حج بر داشتن آواز باشد لبیتک و شح
 رعین خون شسته و کوفته باشد لبیتک از برای قربان کردن

و سنت است که در دوام احرام لبیک را بسیار بگوید و زیاده
و شسته و سوره و پایده و بر بچه و خفته و در وقت سر بالا
و سر از پر و سوار شدن و فرو آمدن و گرد آمدن و قیام و
فایز شدن از نماز و اول روز و آخر روز و در هر گز و در سجده
و در سجده حیف و در سجده الگو و در نماز و در سجده ابراهیم علیه السلام
از عرفات و در هر استجب است که آواز خود را بلبیک بردارد
بجیستی که ضرر نفس وی نرسد و در صلوات بر حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم بعد از لبیک باید آواز را بخواند
بر نذر و که در لبیک بر میدارد و چنانکه باید میسر شوند و اما آن
آواز بر نذر و بلکه گاهی است **بدانکه** نه چیز بر خیزد یعنی آنکه
احرام بسته باشد حرام است و فدیة بدان واجب **کردار اول**
لبس است یعنی پوشیدن لباس و اگر نخلین در پا کند
باید که پاشنه و پنجه اش ظاهر و بر نه باشد و زرار و آب باشد

که بگوید لبیک

که روی را پوشاند بجا بماند که اگر سر فرو آمده باشد و برابر روی
ایستاده چنانکه بر رویش نیفتد و اگر حجیم را اندر بود چون کلاه
و سر مار و او بود که جانم و دوخته پوشد لیکن فدیة واجب شود
دویم طیب است یعنی بوی خوش کباب و شستن و اگر نخلین
یا بنا دانی بوی خوش استعمال کند فدیة واجب نشود **سیم**
و این است یعنی موی سر و ریش و بدن را غیر از پنجه دست
و بجا بر و عن اندودن **چهارم** حلق است یعنی موی سر
تراشیدن یا سوتن و بر کندن **پنجم** قلم است یعنی ناخن
بریدن **ششم** جماع است **هفتم** معذرات جماعت چون
بوسیدن و معافه نمودن و مانند آن **هشتم** مسید است
یعنی که شکار کردن در احرام و حرم مسید کردن محرم است
غیر از ماهی و مسید آبی که آنجا حرام نیستند و مراد **نهم**
حواست که در خشکی نزدیک آلا و آب نباشد و اما هر چه

احرام

آب و شکی هر دو سیرید حرام است و تعرض اجزا و شتم او شدن نیز
روا نمود در هر چه بد که غیر کرم شده باشد حرام بود هم تحریم و هم
پنجم تحریم **عقد نکاح** است که نکاح در اهرام منع نمیکرد
و همه محرمات اهرام فدی را واجب کند مگر عقد نکاح که فدی را واجب
نمیکند اما فدی جماع امری بسیار بزرگست که بجماع حج و عمره
بفساد آید فضا و فدی هر دو واجب کرد و چون حج بفساد آید
اعمال حج بجای آوردن باز واجب شود و اگر امکان نباشد
سالی دیگر بی تأخیر باید آمدن و قضا کردن و فدی جماع شتری
باشد و یا کادی و یا هفت کوسفند و اما فدی غیر جماع که منع
بود و یا سه روز بروزه باشد در مکه مکرمه و هفت روز دیگر هم بروزه
باشد چون بوطن خود رسد و سنت است که کوریای شهیدان
از قریه بدر زیارت کند و کوریای شهیدان از نزد یک قریه
بدر است بقدر ربع ساحتی **الله** و از آنجا مکه به السلام
علیکم

علیکم یا من فانیلوا و فانیلوا فی سبیل الله و
سلام علیکم یا صبرتم فنیع عقی الدار السلام
علیکم و ارضانکم و جعل المینه منزلهکم یا من
قال الله تعالى فی حقهم ولا تحسبن الذین
فانیلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند
ربهم یؤذونکم بعد از آن فاتحه و قل هو الله احد و سوره
الحاکم را بخواند و دعا کند از برای نفس خود و از برای هر که
خواهد از مسلمانان که البته از آنجا و عاستجاب شود و چون
خواهد که آب زرم را پاشد روی در قبله کند و نفس پاشد
و بگوید **اللهم انی استلک علما نافعاً و ذوقاً**
واسعاً و شفاء من کل داء و چون شمس شجره مشرق
خواهد که داخل مکه شود فاصله است که مرو پیاورد و بر روز فدر
شود وزن و خشتی سوره و شب فدر شوند و چون خواهد که

مسجد الحرام داخل شود از باب السلام باید داخل شد و گوید
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْخِ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَجَنِّ
بَشَرِي مِنَ النَّارِ كَمَا فَعَلْتَ بِرُسُلِكَ اینها ده گویند
بِرَدِّ هَذَا الْبَيْتِ تَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا وَتَكْرِيمًا وَمُهَابَةً
وَزِيَادَةً مِنْ شَرَفِهِ وَكَوْنِهِ عَظِيمٍ مِنْ حَقِّهِ وَأَوْفَرِهِ
تَشْرِيفًا وَتَكْرِيمًا وَتَعْظِيمًا وَبَرًّا اللَّهُمَّ أَنْتَ لَسْتَ لَمْ
وَمِنْكَ السَّلَامُ فَحِينًا وَتَبَا بِالسَّلَامِ و دعا کند هر چه
 خواهد از مهمات دنیا و دین که بر آید و دعاست بجا خواهد
 و در وقت دیدن خانه کعبه چنانکه احادیث صحیح بدان دارو شده
 و چون از دعا فارغ شود از باب بنی شیبه داخل حرم اول
 کرد و زیرا که صحبت رسیده که حضرت رسول صلی الله تعالی
 علیه وسلم اول از بنیاب داخل شد و اندر برای طواف
 قدم و افافته و عمره کردن و چون پای بر آستانه در خداید

جمع

بسم الله و یا الله و من الله و الی الله و فی سبیل الله
 و علی ملتک رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلمه
 و نماز تحت مسجد گذارد بلکه قصد حجر الاسود کند و ابتدا طواف
 قدم کند که آن بجای سخت مسجد الحرام بوده اگر زنی حمل باشد
 طواف را تا آخر کند تا شب طواف کند و طواف سهیم است
 طواف قدم که طواف و در دو طواف لقاء تحبش نیز گویند
 و طواف رکن که طواف افافته و زیارتش نیز گویند و طواف
 و دایره که طواف صدورش نیز گویند که **دویم** از برای حج
 و عمره طواف است و طواف را انواع و جهات است
 اما وجهاتش پنجست **اول** طهارت از حدث و نجس برین
 و جامه و ستر عورت چنانکه در نماز واجب است و اگر در میان
 طواف حدث واقع شود و منوب باز و بنا کند **چهارم** ترتیب
 و ترتیب است که ابتدا طواف نزدیک حجر الاسود کند

بقدر یک کرش هر طرف رکن یابی چنانکه باید بهتر تن برابر
 حجر الاسود بود چنان کرد که بر آید که کعبه بدست چپ وی باشد
 و فاصله آنست که طواف کند از کعبه نزدیک شود و اگر ابتدا
 پسر حجر الاسود کند محبوب نباشد تا وقتیکه حجر الاسود رسد
 پس ابتدا طواف انجام بود **چهارم** آنست که طواف از
 بردن کعبه بود چنانکه باید بهتر تن خارج کعبه و حجر الاسود
 افتد تا اگر بر پشت دروان بگذرد چنانکه تن وی بر بالای شان
 بود یا دست بر دیوار کعبه خاده و پای بر زیر شان دروان بود طواف
 درست نباشد و باید که طواف کرد بر گرد حجر کند **و چهارم** باید
 که طواف در اندرون مسجد احرام بود یعنی میان کعبه و ستونهای
 مغرق و اگر از بیرون مسجد طواف کند درست نباشد **و پنجم** باید
 که هفت بار طواف کند و کمتر از آن روا نبود **اما** سنتهای طواف
 هفت است سنت اول نیت است در طواف و اگر
 طواف

طواف در غیر حج و عمره بود بی نیت درست نباشد بخلاف و اگر
 طواف در حج و عمره بود اولیتر آنست که نیت کند و اگر
 نیت هم نکند طوافش درست است بقول اصح سنت دوم
 موالات میان طواف مکانه و بعدانی کردن میان طواف
 بی عذر بسیار که است سنت سیم رقا است در طواف
 یعنی بپای خود رقص اگر چه زن بود مگر که چهار باشد و یا عذری داشته
 باشد که درین صورت باید او را بر داشته بگرداند سنت چهارم
 آنست که باید دست راست را بجز الاسود زنده و از بوسه دهد
 پیشانی را بروی خند و اگر کثرت مردم مانع بوسه دادن بود
 بر دست زدن قنصر کند و اگر دست زدن ممکن نباشد بدست
 سوی حجر الاسود اشاره کند **و پنجم** یعنی الله و الله اکبر پس
 دست خود را بوسه دهد سنت ششم خواندن دعای مأثور است در
 طواف یعنی دعاییکه از حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم

مردی باشد و خواندن قرآن با انواع قرائت در طواف از دعا غیر
 مأثور فاضلتر است و اما خواندن دعا مأثور از قرائت قرآن
 فاضلتر باشد سنت ششم رمل است نفع را ویم و رمل است
 که در سه طواف اول ثواب رود و در چهار طواف آخر ثوابی
 و سکون سنت هفتم اضطباع و اضطباع است که میان را
 را در زیر دوش رست در آرد و هر دو سرش را بر دوش چپ
 اندازد و دوش رست را بر بنه بگذارد و در هر طوافی که رمل است
 اضطباع نیز سنت بود لیکن اضطباع در مجموع هفت طواف در
 سعی نیز سنت است و رمل در چهار طواف آخر و سعی سنت است
 و اضطباع در دو رکعت نماز بعد از طواف سنت نباشد وزن
 رمل و اضطباع کند سنت هشتم دو رکعت نماز است در عقب
 طواف و فاضلتر است که از پس مقام ابراهیم بگذرد و آنگاه
 در حجر اسماعیل علیه السلام بر سر آن سنگ پا زد و هر سبزه که در زیر

باشد

نیز آب ارجمه باشد در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قل یا ایها
 الکافرون بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه قل هو الله احد
 اگر روز بود قرآن بسر خواند و اگر شب بود با و از خواند و چون کعبه
 نزدیک شود بگوید الحمد لله و سلام علی عباده الذین
 اصطفی و است با بطواف قدم کند و طواف قدم است
 که بعد از داخل شدن کعبه پیش از استیادن بعزفات طواف
 کعبه نماید چنانکه حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم چنین
 کرده است و در ابتدا طواف بگوید تَوَيْتُ اَنَّ اطُوفَ
 سَبْعًا كَامِلًا لِلَّهِ تَعَالَى یعنی یت میدارم که طواف کنم
 هفت بار تمام از برای خدا تعالی یا چنین بگوید اللَّهُمَّ اجْعَلْ
 اطُوفَ بَيْتِكَ احْرَامًا سَبْعَ مَرَّةٍ فَلْيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْ
 مِنِّي اللَّهُ تَعَالَى عَزَّ وَجَلَّ و بعد از آن نزدیک حجر الاسود بگوید
 بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ آمِنًا نَابِكَ وَتَصَدَّقْ

يَكُنَّا بِكَ وَوَفَاءٌ بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعاً لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ وَسَلَّمَ وَحِينَ يَأْتِيكَ رَسَدُ
كَبِيرِ اللَّهِمَّ إِنَّ هَذِهِ الْبَيْتَ بَيْتُكَ وَالْمَحَرَّمَ حَرَمُكَ
وَالْأَمْنُ أَمْنُكَ وَهَذَا الْمَقَامُ الْمَأْتِدُ بِكَ مِنَ
النَّارِ وَبَوَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَسْبِ إِيَّائِكَ
وَرَزَقِكَ رُكْنَ عِرَاقِي كَبِيرِ اللَّهِمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
مِنَ الشُّكِّ وَالتَّشَكُّكِ وَالتَّفَاقُكِ وَالتَّشْفَاقِ وَ
سُوءِ الْإِخْلَاقِ وَسُوءِ الْمَعْرِفَةِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ
وَالْوَلَدِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ عَظِيمَ وَجْهِكَ كَرِيمَ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَأَعِذْنِي مِنَ النَّارِ
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَحَرِّمِ لِي وَدَمِي عَلَى النَّارِ
وَأَمْنِي مِنَ أَمْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَكَفْنِي مُؤْتَمَرَةَ النَّارِ
وَالْآخِرَةَ وَحِينَ يَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَجْزُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسَدُ

كَبِيرِ

كَبِيرِ اللَّهِمَّ أَطْلُبُ فِي ظِلِّكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا
ظِلُّكَ وَأَسْقِنِي مِنْ كَأْسِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
تَعَالَى عَلَيْكَ وَسَلَّمَ شَرَاباً حَنِيفاً مَرِيئاً لَا آخِذَ بَعْدَهُ
أَبَدًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ
وَحِينَ يَكُنْ شَأْمِي رَسَدُ كَبِيرِ اللَّهِمَّ اجْعَلْهُ حَجَّاً
مَبْرُوراً وَسَعياً شُكُوراً وَذَنْباً مَغْفُوراً وَمَلَأْ
مَقْبُوراً وَتَجَارَةً لَنْ يَبُورَ يَا غَنِيَّ يَا غَفُوراً رَبِّ
اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَقْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ
الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ وَحِينَ يَكُنْ يَمَانِي رَسَدُ رَسَدِ رَبِّ رُبُّ
رَبِّ كَبِيرِ لَيْسَ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَبَعْدَ زَمَانٍ رَسَدُ خُودِ
بُوسَةٍ وَهَجْرَةِ كَلِمَةِ نَبِيٍّ قَدِيمٍ هَتَّ وَزِيْرِي زَمَانٍ رَسَدِ زَمَانٍ
وَبُوسَةٍ وَادُونَ أَنْ سَتَ نَيْتِ مَكْرُوفَةٍ بِكَ طَوَافٍ كَاهِنِ

بود و دست زدن و بوسه دادن رکن عراقی و رکن شامی در
 طواف سنت نباشد چرا که آنجا بنای جدیدند و در رکن یمن
يَكُودُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْعُتُوبَةِ بِكَ مِنَ
الْفَقْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ قَيْظِ الْحَيَاةِ وَ
الْمَمَاتِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَدُرَّ رُكْنُ يَمَانٍ وَحَجَرُ الْأَسْوَدِ يَكُودُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنِّي أَسْأَلُكَ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَحِينَ تَحْجَرُ
 الاسود دست راست را بروی زند پس دست خود را
 بوسه دهد و چنین بگوید بار کعبه برآید و هر بار بآن دعا که
 مذکور شد دعا کند و بار ختم باید که دست حج الاسود زیند
 اگر اسه بار پیانی بوسه دهد و پیشانی را سه بار بروی خدا تعالی

پانجمین

پنجمین سه بار بوسه بروی دهم و سه بار پیشانی را بروی خدا تعالی
 میکند و نزدیکی که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده
وَرَجَى حَجَرُ الْأَسْوَدِ وَاللَّهُ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ بُرْهَانَ الْعَمَةِ لَهُ
عَيْنَانِ يَنْصُرُهُمَا وَلِسَانٌ يُنْقِطُ مِنْهُ لِكَلِّهِ عَلَى
مَنْ أَسْأَلَهُ شَيْئًا يَنْبَغِي لَهُ یعنی که قسم بذات خداوند عالم که هر آنکه
 خدا تعالی روز قیامت از برای حج الاسود و چشم پنا و زبان
 کو یا ظاهر کرد و داند و گواهی میدهد بر کسی که بگوید و چهارم بروی
 زده باشد و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است
تَزَلُّ حَجَرُ الْأَسْوَدِ مِنَ الْجَنَّةِ فَهِيَ أَسَدٌ بَيَاضٌ
مِنْ اللَّيْلِ فَسَوْفَ تَرَاهُ خَطًّا بَابِي أَهْلَهُ رواه الترمذی
 یعنی که حج الاسود از جهشت فرسوده و آلوده و او را ز شیر سپار
 سفید تر بوده پس خطایابی بنی آدم در آن اثر کرده چنین او را
 سپاه گردانند و بعد از طواف بگذرد باید چنانکه شکم و

سینه را بدو رکعت چنانچه روی راست خود را بر آن
مخد پس دست راست را بطرف باب کعبه و دست چپ را بطرف
عمر الاسود دراز کرده بگوید یا رَبِّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ اخْرِقْ
وَقَتْلِي مِنَ النَّارِ وَاعِزِّيْ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
وَاعِزِّيْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَتَقِيْ بِمَا رَزَقْتَنِيْ وَ
بَارِكْ لِيْ فِيْهَا اَتَقِيْ بَعْدَ اَرْبَعِ رُكْعَاتٍ بِكَاهِ اسْمَاءِ سَبَّارِ
بگوید و صلوات بر حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم و بر پیغمبر
پس بفرمان سپار بدید و در برای هر سجده ای نفس خود سجا صد و
کند و در نماز استغفار نماید و چون ازین فارغ شود و
رکعت نماز از پس مقام ابراهیم بگذارد و بپا کند گشت
و بعد از نماز فَإِذَا كَبَّرَ اللَّهُمَّ هَذَا بِلَدِّكَ الْحَرَامِ وَ
سَجِدَ لَكَ الْحَرَامِ وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَمِينُ عَبْدُكَ وَقَدْ
حِينَئِذٍ إِلَى بَيْتِكَ بِذُنُوبٍ كَثِيرَةٍ وَخَطَايَا جَمَّةٍ
وَأَعِزِّيْ

وَأَعِزِّيْ سَيِّئَةٍ فَأَعِزِّيْ لِيْ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا
أَنْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَبُيِّ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام
بِحُجَّتِهِ اِشَارَتِ كَذَلِكَ بِيَدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَ
الْعَفْوُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَنْتَ دَعَوْتَ عِبَادَكَ
إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَدْ حَشِنْتَ إِلَيْكَ طَائِلِيَّ
لِرُحْمَتِكَ مُنْجِيًا مَرْضَاتِكَ وَأَنْتَ مَنْنْتَ
عَلَى بَذْلِكَ فَأَعِزِّيْ لِيْ وَأَرْحَمْنِيْ بِحُرْمَةِ مَقَامِ
خَلِيلِكَ وَالْأَمْنِ أَمْنِكَ وَهَذَا مَقَامُ
الطَّائِلِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ پس بعد از طواف و نماز و دعا
سنت است که دست بکشد بر الاسود و زمزم و آثر آبوسه دهد و پیشانی را
بروی مخد بعد از آن از باب الصفا بیرون رود و از برای
سعی و سعی آمد و شد گردانست در میان صفا و مروه وَرَكْعَتِ
سِنَمِ از برای حج و عمره سعی است و شرط سعی است

که از بد صفا کند و زوکی صفا بگوید ان الصفا والمروة من
 شفا الله فن تج البیت او عمر فلا جناح
 علیه ان یقوف بهما ومن تطوع خیرا فان الله
 شاکر عظیم و نزدیک مروه همچین بگوید و بقدر مرد بالائی یوان
 صفا برآید و بالوان مروه همچین بقدر مرد بالائی برآید و صفا
 سه یوانست و مروه یک یوانست و در یوان صفا برآید
 خانه کعبه نگاه کند چنانکه خانه کعبه را بر بندیس روی در کعبه
 این دعا مأثور را سه بار بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر
 لا اله الا الله والله اکبر الله ولله الحمد الله
 اکبر علی ما هدانا والحمد لله علی ما اولانا لا
 اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله
 الحمد یحیی و یمیت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير
 لا اله الا الله وحده لا شریک له و نصر عبده و

اکبر

الحمد

و غیره

و حرّم الاخراب وحده لا اله الا الله ولا تقب
 الا اياته مخلصین له الدین و لو کره الکافرون
 و بعد از هر بار دعا کند و هر چه خواهد از مهمات دنیا و دین از خدا
 بخواهد و شمر رضی الله تعالی عنه از صفا و مروه دعا را دراز
 کرد اینده است و پسندیده اند و از جمله دعائهای اوست که
 بگوید اللهم انک فلک ادعونی استجب لکم
 وانت لا تخلف الميعاد و انی استنک کما
 هدیتني الاسلام لا تنزع عني حتی تنوفانی و
 انا مسلم و هم زجلم دعائی اوست آنچه بهی از این سه
 رضی الله تعالی عنهم و ایت کرده است که اللهم اعصم
 بدینک و طواعیتک و طاعتک رسولک و
 جنینا حد و ذک اللهم اجعلنا محبک و تحب
 ملائکتک و انبیایک و رسولک و تحب

مَبَايِثَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ بَسِّرْنَا الْمُسْرِفَ وَجَنِّبْنَا
الْمُسْرِفَ وَأَخْزِلْنَا فِي الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى وَجَعَلْنَا
مِنْ الْأَمْثَرِ الْمُثْقَلِينَ بعد از آن رضا فرموده که چنانکه حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه وسلم کرده است و در حدیث صحیح مسلم
 روایت شده از فعل حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم
 که چون از صفا فرود آید بعد از آن رود بسوی مرده کرده همچنان
 برود تا که میان وی و میان آن دو میل برابر یکدیگر رسد و پنجم بماند
 بگوشای که یکی از آن دو میل متصل بدیوار مسجد اکرام است از پشت
 چپ و دیگری متصل است بدیوار در رسته سلطان که آنجا یک
 کوبند و علامت آنجا نگاه است که سنگی را بدیوار مسجد اکرام
 نزدیک باب نموش نصب کرده اند و خط کوفی نوشته شده
 و است در او هر دو سنگ است نه سیلخا و هر دو که اگر فرو
 کردن است در می و اگر مرو باشد ثواب برود تا که

و اما

میرسد میان آن دو میان برابر یکدیگر که یکی از آن متصل
 بدیوار مسجد اکرام است از برابر باب عباس رضی الله تعالی
 عنه و دیگری متصل است بدیوار خانه عباس که انتهای
 هر دو میان این دو میل است بعد از آن باز عبادت برود
 تا بایوان مرده بر آید و همچنانکه برای او ان صفا از دعا فرود کرده
 برای او ان مرده نیز چنان کند و حجاب سحر چهار است یکی آنکه
 جمع مسافتی که در میان صفا و مرده است طی باید کردن
 و اگر از آن چند قدم بماند که طی نکرده باشد سعیش درست نباشد
 و دوم ترتیب است واجب بود که ابتدا بصفا کند و بعد تمام
 کرد اند و اگر ابتدا مرده کند تا بصفا آید اندیش محسوب نشد
 و اگر از صفا بمرده باز کرد و هنوز اول سعیش بود پس تمام
 سحر هفت بار بود که رفتن از صفا بمرده یکبار محسوب بود
 و باز آمدن از مرده بصفا و بار چهارم سحر بعد از طواف

درست بود خواه طواف قدوم بخواند طواف افاضه در هر دو
 مکان است و سی پایه فاضله است از سوره و اگر در عدد
 شک آید کمتر قرار گیرد و در سی شتاب زدوست است
 که در سی آید عار بخواند رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْلَمْ أَنَّ
كَلِمَاتِكَ الْاَكْبَرُ اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ بعد از آن بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحُكْمُ يُحْيِي وَيُمِيتُ
 وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ که چون مابین صفای و مرده باشد
 اگر قرآن خواند فاضلتر است و در سی دعای بسیار کند که آیت
 در سی دعای شتاب خواهد شد و سنت است که با طهارت
 و ستر عورت سی کند و اگر برهنه عورت یا پوشیده یا نجس
 یا بریدن و جامه وی نجاست باشد پیش هم درست بود و در

در هر دو

در هر دو
 در هر دو
 در هر دو

اصح و چون از سی فارغ شود اگر احرام بپوشد و حج هر دو بسته باشد
 و یا حج تنها بسته باشد و پیش هم بعد از طواف قدوم
 سر تراشیدن و یا موی کوتاه کردن روان باشد تا روز عید بعد از
 سنگ انداختن بجز عقیقه و اگر احرام بپوشد و حج هر دو بسته باشد
 سر تراشیدن و یا موی کوتاه کردن و مرده حلال کرد و در
 مابین صفای و مرده سیصد و چهل پنج کز و ربع کرنی باشد
 بکرشای و مابین جای هر دو که یعنی جای که در آن کرک زدوی
 پنجاه و هفت کز و نیم است بکرشای **فصل** بدانکه در حج چهار
 خطبه بود خطبه روز نهم از ذی الحجه و خطبه روز عرفه و خطبه روز
 عید و خطبه روز بارگشتن از نماز و سنت است از برای امام
 که روز نهم از ذی الحجه در مکه بعد از نماز ظهر یک خطبه بخواند و در آن
 خطبه مردم را بفرماید که فردا بعرفات پاید رشتن و نماز کبی که
 در پیش است ایشانرا خبر کند و اگر روز نهم روز جمعه بود خطبه جمعه

در هر دو

بگذرد و بعد از آن خطبه دیگر بخواند پس روز ششم بعد از طواف
 و راح از باب السلام ببرد و آن بدر روز و عرفات و روز نهم که روز
 عرفه است پیش از آنکه آفتاب طلوع کند روز نشود و هم
 عرفات برسد و سنت است از برای همه کس چه پادشاه و چه
 پیاده باشد که از ولایت آنرا بگذرد شب تاب چرا که آنکه آن
 غضب است که خدا تعالی اصحاب الفیل را در بنی کلاه کلاه
 کرده است و آن در پاهای من و من و من پادشاه از نزدیک آب
 زنده خاتون **رکن چهارم** از برای حج فقط ایستادن است
 عرفات و همه عرفات جای ایستادن باشد و وقت ایستادن
 عرفات از زوال روز عرفه است تا طلوع صبح روز عید
 هر وقتی که باشد از آن اوقات ایستادن روا بود و حج کردن
 میان شب و روز نهم و آنچه سنت است هر چند امام نووی
 در مناسک خود گفته است که واجب بود اما واجب نباشد

و اگر

و واجب در ایستادن عرفات است که مخیر بخروی از زمین
 عرفات حاضر شود اگر چه در طلب بنده که بخواهد پای کمر گشته
 و مانند آن بکشد و میگذرد و اگر حاضر شد عرفات نیست که
 از عرفات یا پیش از آن یا خفته و نشسته یا پیش از وقت
 ایستادن حاضر شد و بخت تا وقت ایستادن بدر رفت
 کفایت بود و علامات زمین عرفات یا غیر عرفات و دلیل
 بزرگست و در حدیث شریف وارد گشته **اِنَّ مِنْ**
اَعْظَمِ الذُّنُوبِ اَنْ يَحْضُرَ عَرَفَاتٍ وَيَطْنُ اَنَّ اللّٰهَ
لَمْ يَغْفِرْ لَهُ ذُنُوبَهُ یعنی از بزرگترین گناهان آنست که چون
 کسی حاضر شود عرفات و او چنان پندارد که خدا تعالی او را
 نمی آمرزد چنانکه در خبر مسلم آمده **لَا مِنْ يَوْمِ الْاَكْثَرِ مِنْ اَنْ**
يَعْتَقَ اللّٰهُ فِتْرَةَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ یعنی که هیچ
 روزی نیست که در آن روز خدا تعالی بیشتر از روز عرفه

بنده کمان را از آتش و دوزخ آزاد کردند و بعضی از قدما گفته اند چون
 به عرفات بایستند و در عرفه روز جمعه باشد خدا تعالی تمام آن
 عرفات را پامزد که روز عرفه فاضلترین روزهای دنیا است
 روایت میکند علی بن اخطاب کرم الله وجهه که در برای آنکه در
 عرفات می ایستند فاضلتر است که طلب سایه نکند بلکه در
 آفتاب باشد مگر زیرای عذری چون بیماری و مانند آن که یا
 داشته باشد و از برای حاجی روزی که رفتن در روز عرفه کثرت
 بود بلکه از برای او است است روزه خوردن اگر چه قوی باشد
 و ضعیف هم نباشد از جهت تبعی با کثرت صلی الله تعالی علیه
 و سلم و نیز مکرر است بر بالای کوه عرفات رفتن و دوایست
 که زبان خود را از روشنائی وادون و لغت کردن و دوایست
 و جمع کفار را صواب کند و شستن و سنت است که شب و روز
 با طهارت بودن و اگر زن در حیض و یا در نفاس بود باید همه اعمال

ن را بجا

حج را بجا بیاورد و سواى طواف و دو رکعت نماز و از خواندن سوره
 حشر و ذکر و تحمید و دعا و لبیک و خواندن قرآن
 کوتاهی نکردن تا بوقت خروب آفتاب و نماز صلات را در
 مسجد ابراهیم علیه السلام بگذارد و نماز ظهر و عصر را در مسجد نبی
 صلی الله تعالی علیه و سلم و نماز آدم علیه السلام را زیارت کند
 و آن نزد یک مسجد نبی صلی الله تعالی علیه و سلم باشد حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است که فاضلترین دعا
 دعای روز عرفه است و فاضلترین آنچه من و عیبران پیش درین
 گفته اند این دعا است لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَ
فِي بَصَرِي نُورًا اللَّهُمَّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَتَسِّرْ لِي
أَمْرِي اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا

پیشتر بگویند و چون بشعر اکرام رسند و آن گویی کوچک است
در آخر مزدلفه نزوی بایستند برابر قبله و دعا کنند از برای
نفس خود و از برای هر که خواهند از مسلمانان زیرا که دعا در
انجا بیکایه استجاب خواهد شد و بسیار بگویند از قوله تعالی
اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و چون بمزدلفه رسند
بگویند اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ مُزْدَلِفَةٌ جَمِعَتْ فِيهَا
السَّنَةُ مُخْتَلِفَةٌ فَسَلِّكَ حَوَاجِيَ مُؤْتِنَةً فَا
جْعَلْنِي مِنْ دَعَاكَ فَاسْتَجِبْ لَهُ وَتَوَكَّلْ
عَلَيْكَ فَلَقَبْنَاهُ اللَّهُمَّ كَمَا أَوْفَقْنَا فِيهِ وَ
أَرَبَّنَا إِنَّا هُفُوفُنَا لِذِكْرِكَ كَمَا حَدَّثَنَا
وَأَغْنِنَا وَأَرْحَمْنَا كَمَا وَعَدْتَنَا وَفُؤْلَكَ الْحَقُّ
فَإِذَا أَقْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ

المشعر

المشعر الحرام و اذكروه كما حصدكم و ان كنتم من
قبيلة لبن الصالحين ثم انفضوا من حيث افاض
الناس و استغفروا لله ان الله غفور رحيم
و مکرر نمایند از قوله تعالی رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
و ما کند از برای نفس خود و از برای هر که خواهند از مسلمانان
زیرا که دعا در آنجا بیکایه استجاب خواهد شد و از مزدلفه مکث
کردن واجب بود و یک لحظه که در آنجا مکث نمایند کفایت
و وقت مکث کردن بمزدلفه بعد از نیشب بود و چون پیش
از نیشب بآنجا رسد و مکث کرده برود اگر پیش از طلوع صبح
باز نکرود و مکث کند کوفتی بروی واجب شود که فدیهِ
کند و بعد بمزدلفه از راه عرفات تا بوادی محشر غسل کردن
شب از برای بیت بمزدلفه سنت نیست بلکه نزوی او
بغسل عرفه سنت است مسلمانانی که بحجّه اند از مزدلفه

شب بردارند از برای انداختن روز عید و هر یک هفت سکه
 بردارد فقط و اگر از برای احتیاط از هفت بیشتر بردارند شایسته
 زیرا که بسیار باشد که سکهها بپسند و سنت است که چون
 شب نیمه شود زنان و ضعیفان را از منزل خانه بیاورند و سازند
 و دیگران بمانند تا نماز صبح و نماز صبح را بمنزله چنان بگذرانند
 که تاریکی آخر شب باقی بود بعد از آن روزانه شوند بپایان
بنارسند بگویند اللهم ایاک ارجوا و الیک
ادعوا و الیک ارجب اللهم بلغنی ضالحتی
علی واصلح لی فی ذریعتی اللهم ان هذین
وینا و هذا ماء للثنا علیک من الناس
استسک ان تمن علینا جمیع الخیر و یمنا
منک بر علی ابراهیم خلیلک و محمد
صلی علیهما الصلوة والسلام و یمنا
 منک

منک بر علی اولیائک و اصل طاعتک فایق
 عبدک و فی فضلتک بیدک تفعل ما
 اودت جنت طالبا لرضائک پس در روز عید
 بعد از آنکه اقامت بعد از نماز بپوشند سکهها را بجمعه احب
 بپندارند و سکه انداختن و سر تر شدن و طوطی خواندن
 کردن شب هم روا باشد لیکن بدست حسنه است کیفیت
 انداختن سکهها بجمعه احب است که در برابر قلبه بپایند
 و اگر برابر جمعه بود هم شایسته است را بر دوشته هفت سکه
 بپندارند و هفت بار بر زیر آن میل معلوم بر زمین بپاشند و در زیر
 پس بسبک را به نیکر بدل کند و با هر سکه که بپندارد
 بگوید الله اکبر بعد از آن یکبار بگوید لا اله الا الله و
الله اکبر الله اکبر و الله اکبر و الله اکبر و چون سکهها
 انداخت بسبک را قطع کند پس سر را بر آید و بگوید

بقراض کوتاه کند و کمتر آنچه روا بود ستاره و نوبت و بکردن
 چون ترشیدن **رکن پنجم** از برای حج **رکن**
چهارم از برای شمره سر ترشیدن و یا موی کوتاه
 کردند و بر سر ترشیدن فاصله است از موی کوتاه
 کردن و زمان موی کوتاه کردن فاصله است از ترشیدن
 و جنبی همچون زن بود چنانکه در خبر آبی و او دور رفته
 که بر زمان سر ترشیدن لازم نباشد بلکه برای ایشان موی
 کوتاه کردن لازم بود و ایشان را موی ترشیدن کراهت است
 بلکه حرام بود **در بیان قربان کردن** فاصله است که
 قربانی را پیش از سر ترشیدن و طواف افاضه کنند
 و بعکس هم روا باشد و قربان کردن سنت است که حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است **عظموا**
فحاجاکم فاقفا علی الصلوة مطا باکم یعنی بزرگ
 دارید و قربانی

دارید قربانی خود را که هر آنکه اخبار پل صراط هر کجای شما
 باشند و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم
 فرموده اند **خَيْرُ الْأَفْحِيَةِ الْبَكْشُ الْأَقْرَنُ وَ الْأَفْحِيَةُ**
أَفْضَلُ یعنی بهترین قربانی قوح شاعر است و آنچه سفید
 باشد فاصله بود و در وقت قربان کردن بگوید **وَحَقِّقْتُ**
وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا
سَلَامًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي
وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ و چون
 خواهد که قربانی را بکشد سنت است از برای صاحب قربان
 که نفس خود بکشد یا بان حاضر شود و نیت قربان کند و سر
 در چشمش کشد و شکر یا نبات در دهانش خند و بر نش
 بخواند و پای خود را بر پهنای رویش خند و کار و بر نش

بالحمد و بحمد نبي الله الله اللهم تقبل مني ومن أمته
محمد صلى الله تعالى عليه وسلم كما تقبلت من
خليلائك إبراهيم عليه السلام بعد الزمان در روز عيد
 متوجه مكه كشته با نجار برونند و در اثنا راه سپار بگویند الله
أكبر الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله والله
أكبر الله أكبر والله أكبر پس طواف افاضه کنند
 اینجا که مذکور شد و هم سعی کنند اگر بعد از طواف قدوم
 بکند و باشد و الاسعی کردن لازم نیست بعد از آن شستن
 نماز ظهر از آنکه بازگشته بنما آید از برای بیت و سنگ این چنین
 ایام التشریق که آنجا واجب اند و بیت شب در صابی منزل
 کرد و است و ایام التشریق سه روز بعد از عید است پس نماز ظهر
 در مسجد حنیف بگذرند و فاضله است که فرود آیند بمنزل حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه وسلم و آن مابین مسجد الکوفه و مسجد

حنیف است

حنیف است و سه روز از ایام التشریق یا در روز عید تعجیل
 و تاخیر سنگ بگذرند کقولہ تعالی و اذکروا لله فی ایام
 معدودات فمن تعجل فی يومین فلا اثم علیه
 و من تأخر فلا اثم علیه لیکن تأخیر فاضله بود و تعجیل
 و سنگهای انداختن را از زمان بردارند در هر روز هفت و یک
 سنگ که از برای هر حجره هفت سنگ باشد و جمله سنگی
 انداختن بهشتی بود و اگر بنا خیر باشد و اگر تعجیل بود و جمع آن به
 نه سنگ است و در سنگ انداختن حجرات ترتیب شرعی است
 که اول باید بدان حجره اندازند که در کنار مسجد حنیف است پس
 بحجره میابین پس بحجره البعنه و مولات میان سنگ انداختن
 حجرات مستحب است و هم سنت است که مرد در انداختن سنگها
 دست را چندان بردارد که پاشی زیر نگیرد و ظاهر شود و اما برای
 زن و ضعیفی سنت نیست و نیز مستحب است که تا آخر

ایام التشریق بازمان معاربت کنند و در مناده موضع است
 که باید آنجا را زیارت کنند و دعا کنند از برای خود و هر که
 خواهند در مسلمانان که در آنجا دعا مستجاب شوند آن را **تلا**
 و آن حجره اول است و حجره ثانی و مسجد الکوفه است که سوره
 انما احطی بنا در آنجا نازل شده و آن نزدیک حجره ثانی است
 و مسجد خیف است و آن مسجد در پشت بازار و آتشده و در پیش
 مسجد الخیف قبه است که مکان خیمه حضرت رسول الله است صلی
 تعالی علیه وسلم و در وسط آن خوش چاهی است که اندکی آب دارد
 و در او آب است و هم غاریست که سوره و اهرسلات در آنجا
 نازل شده و آن در نزدیک مسجد الخیف است در پائین جبل و هم
 مکان سربارک حضرت رسول الله است صلی الله علیه وسلم
 در سقف همین غار است که بقدر منبت موسی سربارک حضرت
 رسول صلی الله تعالی علیه وسلم کوفه و عتیق شده و دیگر موضع نج

هرگز نبرد

حضرت اسمعید علیه السلام است و دیگر غاریست که خانه حضرت
 باجره غاتولست که قریب موضع پنج اسمعید علیه السلام است
 موضع پنج کبشه حضرت ابراهیم علیه الصلوٰه و السلام است
 و آن موضع الان قبر باجره غاتول است در جنب غار و نزدیک
 حجره العقبه پس از آن لبوی مکه کوفه در جهت کند بعد از نفر
 و نفر باز آمدند از مناجا حجره العقبه و از آنجا برگشتن خطب میم
 لبوی مکه کوفه است که غار طهر را در مسجد الحصب گذارد
 و آن قریب خیمه اعلی است و شرط تحت نفر است
اول نفر و شدن یعنی معارقت کردن است از زمین منا
 در روز دوم ایام التشریق بعد از زوال ظهر و دوم لازم است که
 نفر بعد از زری جمع حجرات باشد **سیم** آنکه باید و شب در منا
 بیعت کرده باشد **چهارم** نیت است از برای نفر **پنجم**
 معارزه نیت نفر است با نفر **ششم** آنکه نفر باید

پیش از خروج آفتاب باشد **هفتم** آنکه برای سبب دو باره قصد
معاودت بنا کنند **هشتم** نیت نفر باشد در زمین بنا باشد نه
نزدیک حجره عقبه زیرا که حجره عقبه داخل ارض مقدسه نمیکرد
و بعد از رجوع حجره عقبه باید بجهت نفر بموی خانه های بنا گرفته
برای نفر نیت کند اگر نیت را بسوی واحد ترک نمود یا حجره عقبه
نیت نفر آوردند به جروی واجب شود **نهم** برای حج
رتب است در اکثر ارکان حج چنانکه اول احرام کند بعد از آن
وقوف عرفات و بعد از آن طواف و طلق و قبل از طواف
افاضه هم طلق و قصر درست است و بعد از دوم روست و لیکن
علق و قصر بعد از طواف افاضه بدعت است و نیز تقدیم سعی
بر توقف بعد از طواف قدم جایز است چنانکه ذکر شد و لیکن
اگر سعی را تا آخر کرده بود توقف یعنی سعی را از توقف عرفات
تا خیر عقب انداخت لازم است در وقت سعی را بعد از طواف

افاضه بکند

افاضه میکنند **دک** **چشم** برای حجره ترب و موالا است در
در جمع ارکان حرمه چنانکه بعد از احرام آمده طواف کند و
بعد از طواف سعی کند و بعد از سعی سرتراشد و یا موی را
کوتاه کند **تعریف** مسجد بیقات عمره که در وادی تنعیم است
و آن جای بیقات حضرت عائشه است رضی الله تعالی عنها
و دوری آن از مکه مگر یک است طول مسجد مگر و وازو
کرو نیم و ربع کرنی بکرشای و عرضش چهار کرو نیم و ربع کرنی بود
و آن دو باب دارد یکی از طرف مغرب و یکی از طرف مشرق
و مسجد مانند این است و از طرف شمال آن حوضی بزرگ است
که آبش از باران می باشد و کیفیت حجره چنانست که باید مسجد
بیقات برو و آن دو میل معلوم را بدست رست بگذارد
و از باب مغرب مسجد در آید و لباس احرام بپوشد و از جهت
احرام جهت شای نماید پس در کف نماز در میان مسجد بگذارد

عابد

وگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَتَسِّرْهَا لِي وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي
فَوَيْتُ الْعُمْرَةَ وَأَحْرَمْتُ بِهَا لِلَّهِ تَعَالَى و چون احرام
 بست بگوید لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ آواز باب مشرق
 پروان رود و همان آند و میل روی بکمره کرده برود و در آن راه
 لبیک را با بگوید و از باب عمده مسجد احرام در آید پس لبیک را
 ترک نموده دستها را بر داشته استاده بگوید اللَّهُمَّ زِدْ هَذَا
الْبَيْتَ تَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا آیه این که مذکور شد پس از باب
 شیبه داخل شده هفت بار طواف کند چنانکه ذکر کردیم و در
 رکعت نماز از پیش تمام ابراهیم علیه السلام بگذارد پس از باب
 صفا پروان رود از برای سعی و سعی هفت بار بود چنانکه گذشت
 و چون از سعی خارج شود تمام سید با بعضی از سر را برآورد که
 عمده اش تمام شد لیکن عمرة حج در ماه ذی الحجه بود و عمرة جبرائیل
 از روی آند با حضرت صلی الله تعالی علیه وسلم در روی آن
 از آنکه از آن

که مذکور شد شش ساعت است و سنت است که خانه کعبه را
 زانو مالده شریفا و بکمره نماید و در هر اوقات بسیار بار طواف کنند
 و در حرم شریف ختم قرآن و ختم دلائل انجرات نمایند و در مسجد
 نماز فریضه را بجا بیاورد نباید فوت کرد و همه زیارتگاه مارا که در
 مکه مذکور است زیارت نمایند اگر ممکن شود و بار عایت حرم است
 که اجری عظیم دارد و در آب باشد که آب زمزم و پرده کعبه معطره را
 از آنکه مذکور شد سبحانی دیگر پروان بزند لیکن حرام است بر کاشن چرخ
 و حرم که از خاک یا سنگ یا چوب یا گیاه آن از برای تبرک
 یا غیر تبرک و هر که چیزی برگیرد و روی لازم بود که باز آنرا بکمره رود
 س زود اگر از آنکه بر کاشن تبرک داشته باشد باید چیزی
 از آن خود آورده و بر کعبه معطره مالده پس آنرا از برای تبرک بدارد
 و چون از آنکه پروان آید کند از آنکه بسوی وطن خود یا بجای دیگر
 از برای دوا طواف باید کرد و طواف دوا از آنکه سکت

خج بلکه عبادتی خود سرست پس هر که در آن پیرون آمدن کند
 از آنکه تا مسافه قصر بایک از مسافه قصر صفت بار طواف یاد کرد
 همچنانکه پیش ازین مذکور شد و لیکن رطل و نه بطایع کند خواهد گئی
 باشد و خواه غیر گئی وزن که در حیض و یا نفاس بود لازم نیست
 که طواف و دوا کند خواه از پیرون که پاک شده باشد و خواه
 از حرم که دفینه نیز بر وی لازم نبود و هر که بعد از پیرون آمدن از
 گاه اگر مکث کند و طواف نکند بفراموشی یا بنا دلی یا از
 برای چهار پرستی یا زیارت دوستی بروی واجب بود که باز
 کرد و طواف را اعاده نماید و طواف و دوا بعد از فارغ شدن
 از همه کارهای خود بود و غصب آن بدون مکث و در یک پیرون
 پا در آمدن و هر که از یک پیرون آید و طواف و دوا کند عاصی کرده
 بروی واجب بود که باز کرد و طواف کند و اگر نکند حشمت
 آید و لیکن کوفتی و جب شود که فدی کند و هر گاه پیش از مسافه
 قصر باز کرد

قصر باز کرد و فدی از وی بپشتند و چون از طواف و دوا فارغ
 شود و در کعبه نماز از پس مقام ابر حیم علیه السلام بگذرد
 و آب زمزم را بپاشد بعد از آن بکعبه تم باید چنانکه شکم
 و سینه را بدو رکع چپ پاینده روی رست خود را بر آن
 محض پس دست راست را بطرف باب کعبه و دست چپ را
 بطرف حجر الاسود دراز کند چنانکه مذکور شد بعد از آن دعا
 کند از برای هر چه خواهد از مقامات و بنا و دین و اولاد و ثروت
 که بعد از فارغ شدن از دعا بیکبار دیگر آب زمزم را بپاشد
 پس بسوی حجر الاسود بازگردد دست را بروی زندان را
 برسد و در پیشانی را بروی محض چنانکه گذشت پس هر گاه
 خواهد از باب الوداع پیرون آید و بسوی وطن خود یا سجای دیگر
 مراجعت نماید چون پای برستانه در محض بگوید اللهم
 اغفر لی ذنوبی و افح لی ابواب فضیلتک و بعد از

پیران آمدن کجود بسم الله طرقتنا الله وفتحنا الرحمن
 بکیننا الرحیم تحریرنا نبایت رسید و نبایت انجامید
 این کتاب مستطاب بی بدن تحریر این نسخه شد در روز علم که
 یکشنبه از ۱۲ شهریور الاول و ربیع غنی تاریخ یافته است
 چنانکه حقیر این دو بیت را برشته نظم کشیده شعر امید از سر
 شاکست خدا کند راه تاریک مارو شنی خرد و گشت رو
 سال تاریخ او سجده از خرد ذات رب غنی استدکله
 هر سعادتمندی که این رساله را بخواند یا هر قوم گردان در آن لغو
 و کاتب آنرا دعای خیر برساند اگر سهو و بیانی باشد
 که آن لازم طبع انسانی است بر پند بذیل کرم پوشد و بقدر
 وسیع در اصلاح آن بکوشد و الله اعلم بالصواب و الیه المصعد
 تم تحریر و تصویب مع مداد قلم و خط این مدح حسن خیر الله و سر
 جوهری و دهر و ابد که قلم بر آن نهاده و خط بر آن نهاده و قلم بر آن نهاده

این کتاب مستطاب بی بدن تحریر این نسخه شد در روز علم که یکشنبه از ۱۲ شهریور الاول و ربیع غنی تاریخ یافته است چنانکه حقیر این دو بیت را برشته نظم کشیده شعر امید از سر شاکست خدا کند راه تاریک مارو شنی خرد و گشت رو سال تاریخ او سجده از خرد ذات رب غنی استدکله هر سعادتمندی که این رساله را بخواند یا هر قوم گردان در آن لغو و کاتب آنرا دعای خیر برساند اگر سهو و بیانی باشد که آن لازم طبع انسانی است بر پند بذیل کرم پوشد و بقدر وسیع در اصلاح آن بکوشد و الله اعلم بالصواب و الیه المصعد تم تحریر و تصویب مع مداد قلم و خط این مدح حسن خیر الله و سر جوهری و دهر و ابد که قلم بر آن نهاده و خط بر آن نهاده و قلم بر آن نهاده

در بیان منازل راه دوریا

از آنکه گفته تا شهر قبادیه ساعست باین ترتیب هوه خانه
 یک ساعت و نیم است هوه خانه مکه دو ساعت است هوه خانه سلیم
 یک ساعت و نیم است هوه خانه شمش یک ساعت و نیم است قریه خدا
 دو ساعت است هوه خانه کجوه دو ساعت است هوه خانه
 عبد دو ساعت است هوه خانه خراوه ساعت است هوه خانه
 ترکی یک ساعت و نیم است شهر قبادیه دو ساعت است از شهر قبادیه
 تا شهر مصر سه دریا است کسی ساعت که شکی باشد از شهر قبادیه
 تا بندر سویس اگر کشتی نشیند شش روز است و اگر کشتی
 بادی نشیند در علم خداست آفتاب شش روز است و اگر کشتی
 دو ماه از سویس تا مصر سی ساعت است باین ترتیب میر
 عجم شهر دو ساعت است قلعه آخر دو دو ساعت است
 جدار المشرق دو ساعت است لبطا خانه بلغم دو ساعت

[illegible]



الغنیة فی
موت فانی

بخت بند و دلای جانی کس
شوق جلال جل حضرت خواجه کانیات
غلام و خور و شمع در خور
صلی الله علی علیه و آله و صحبه و سلم
محیط مندی بایان کز شوق بار
بیکدم میخیزد بزم کاردی او را
زودتر از کس که کاردی او را
بجهت اندیشه خوب ازین عید برادر

فلح این دوری بر کز خستیا خود توان
منجسم در فضیله قدرت نام خستیا
استرخم که خود میوم مرا داد
بخت برین مرا چه فزونی در کار
بای کوبان میزد شوق جمال او را
زینچون هر کس که بود غار او را
هر کسی بر نامه سحر باری میخند
باین خاندان تن زین شمع میزاید
از آنرا

بنا بر کرمی چشم ناله در شمس
منب کله چو مقصود را افند دار
عمدت بر چرخ عدلی اعان
پندار انوی دیگر از نور کن
بیکطرف کس می کجای
در کار نهانی بود از که ماند دل کجای
نامه چون در صیب نزل آید
کسی باشد از آن که کو در دیا پای

لبلی اندر می چو کس کوی چمن
کز نیم خند میاید شمس
حال و عدوت و چهاروی جان
سوی خند می صبا بخوداری
نزل جانان دکان لطف و احسان
آب او شوق فکال و لکس بوی
لاله صحرای او چه کسک مرغ
سینه اطلال بر جعد سبل شلی

وایه اندر کم که سپیدم بخوارا وای بی
کز سپیدم وای خود وای صید وای
خجسته که بزم دران ضد من برین
کاشاب جو و خوشید کم را لب
بدر لبم
بر کنار جلوه ام شاه در زلفان
درد ویده و جلوه خون در زلفان
با برون کی کردی بر خاک نهادن
کز چپای هوای پریم آفتابان

خجسته که بزم دران ضد من برین
کاشاب جو و خوشید کم را لب
بدر لبم
بر کنار جلوه ام شاه در زلفان
درد ویده و جلوه خون در زلفان
با برون کی کردی بر خاک نهادن
کز چپای هوای پریم آفتابان

مقدود درین بد زنی جان کین
پایه زار که میخیزد و خون
کی بودا که دل در فکر عالم کرده
کردا که هم دم کم میخیزد و خون
بچه چرم
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای

اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای
اسلامی نمی ترسم و دای

سلامی که آوردیم درین وقت

مدد ملات یوسف مردم نگر

بو که دیدیم علیکم در جوید سلام

چشم حجت که سواد آوردیم

آن سکو که بودیم سالها در ده تو

عجب زنجیری در زشتی آوردی

ایچمه بر روی شفت کوه آوردیم

کرده کتاف بیابان غمزه آوردیم

بسلام که یکدیگر را در نستان

بر جرم همتان بخشم بیتی

باریول که سکویم که محمان توام

باب ائاده نایان که یکدیگر توام

کردن تمام قشای بیرون کین

سندخت غم و صدمه و جان

شکوفان زخوی خوار تو جان

در میان که سکویم ز غم جان

غذیب حق کو سرخ ناخوان توام

دشمنی دلم سبب از نصیب جانان
که شفاعت نامه باید بر او ان توام

چون بود غیر از شفاعت راهی
ال و احباب ترا پیش تویی از شفاعت

حق انانی که ای را بخود نموده اند
پای از سر شرح ایشان همان چو نموده اند

حق انانی که عمری از خود فانی کرده اند
حساب از دست زینت خویش نموده اند

حق انانی که در نیکیات خلق را
جنبه بجنبه شرح تو فرموده اند

که کدی منو جای خناب و اکبر
که نشان دل کف نفس مبارک نموده اند

از سحاب فیض لطف عام خود شرحی بیز
بدل ده که از لوت کلاه او نموده اند

که من پیشین زین که عمری زین پس
سردان چشم از خون جگر با نموده اند

هم تن در هم جان بر آب سوده و نموده اند
بر صراط است شرح تو ماند مستقیم

بخت بد خست شرح الماعده که نموده اند
بندش در کس که از زلف مولای بی توام

سبب را با جسم کن بداند از آن راه
داده شد از یک دیو بدید از آن جانی

کن بد انانی کردن ز زاری
چیز ز آب علف کار زاری و ارمیده اند

بی نامد کشت اند فعال از راه
زمره در میان آن را که در آن کار

یکشم از بختین از هم شام
تا خشم یکباره خورده خورای است بر کار

کرده در منزل کی با خشم در راه است
یکشم در دیده خاک کس که در آن

بابه پاشد از بر دیده امده و فزون
سوی بیان در می جنبه جوی آب

نیت سببی تا علم از بی حال
نقشم از پیشین سوختن آن رخسار

عابد خیر و بدین کس آواز را
 از در پیش از روی جان ز جاد را
 بنده دیم ای
 چون من خود کن از دین ای
 دل بجا شد با منی خوش خدای
 کوش بر یک صلی بنی بایان
 تن بکاشم در دل با بدین بای
 مهبط فضا و مشرق نور را
 مغرب هر چه هست و صدوی
 آتش کمان را سوی بای
 نشانی کجی با پی از بای
 بوی فردین برین آواز و سر بای
 مرده صدمه با صد شمع خور و زک
 پیدم از جانب شریک با تقوی
 آن بلی

این چنین خوش که بدین شمع
 در پیش خورشید لاله آتش
 نیلیم
 سینه سرگردان جانم بیک ز غمان
 با هر کی در دل بیک سو در بیان
 در دل شمع خنجران سودای بای
 جایی پیش که دارد در وای جان
 شریک خاکستریج را بدلم آورده
 زاده ای اندوه نام بودی بای
 این چنین که بدین شمع
 آمد به طوفان زین آتش
 ز خاک که خاکستری علی آتش بود
 به طوفان آمدی جمله دقایق
 شریک خاکستری شمع علی آتش
 شریک زار با بدین کاه و آتش جان
 است اکنون خواب از جانب
 سالجا بدین از غم و بدلم طوفان

خالد بن شیبی از حجاز
خبر کردم قدس بر سر نقان از زوزل

نزد حجام
اسلام ای صحرای شیبان

اسلام ای قنات سر دجوان
است خاک نبرد را صد بار چرخ بود

اسلام ای آنکه بر پایه هر زری
صد هزاران لی رود تا قریب فرود

اسلام ای آنکه بر کوهی پیم بود
که غنیمت حجام بر سر پیم بود

اسلام ای آنکه بر طایف شیبان
از روش کهنه نوز غایت کردید

اسلام ای آنکه از حجاز کی آمد
بزرگترین نصرت کف شبنم بود

اسلام ای آنکه بر پایه هر زری
روی در حراب ابریت ملک بود

سن کجا بدیدم تو یا خیر از نام
ز خداوند حیات یا در هم حلام

ای شاه چو سیاه شتاب آوردم
کرده ام چو خطا واجب آوردم

بودم سرشته نیر غداست
از میان بی سوی غور شیدم آوردم

است تا از جهان جانی در جهان
دانم تو چون در آن فدا آوردم

تو طیب علی بن درویش و لکهار
دیده است سبزه را آوردم

زاده بران بدگاه کرمان
شادم از بد بورت بنز آوردم

کوه بدیش از نگاه رخسار
دردم آید ز دل کوه کاه آوردم

شش را یک غم از روی لطیف
کر چه دیوانی چو روی خوش با آوردم

سر سبک در کشت جسم جان پاک
 آنچه خضر از حیوان با من بپاک
 بدینم
 سر در عالم من دلدادی
 سر در عالم من دلدادی
 دال و سرشته سودای جهانم
 شاه هشت فتنه بین من که کند
 کی بود یاری آن کو که مهال من
 رحمت عالم تو آب زبیدی شیب
 مرده بفرموده از آب حیوانم
 دیگران بر طوف کعبه می آیند
 سبوح فاده کوه دیبا با منم
 دوش در خیم خادیا
 کو یا با پی خد بر فوق در با منم
 عبا ای مللستان سرافراز
 این سخن حسن حال از دیوانم
 بر لب فاده زبان که این کتب
 از دندنی از حجاب انم
 نفس

نفس شیطانی است از کدو کشند
 حق زانی در صلیت کام دل بردند
 بدینم
 حق زانی که نافرین می بود
 دم بهم در پی شوق افروزند
 بر شیارانی که در دام خود خورده اند
 لب بصدیق تو از زردی که شود اند
 شصت باران منع پیش شربت کلاه
 که در شایان جهان بود
 نفس زانی که نافرین می بود
 در کوه داری جبهه در جبهه
 یاقه نانی در راه خدا خسته اند
 فالد و لاده را آسینان عبا
 نفس و شیطانی زبک صفت الوداد
 در شمار آتش از زردی باز
 سالخاراه دقت را بجان پیوسته اند

بوجه ارفط قنای حشبه نعام عام
کارش آرایش بدید بحسن خستام
تشته پانچ چهارم در ربع ۱۲۹۷

بدر کای جلاله اورا قن حشبه نعام
کارش آرایش بدید بحسن خستام
تشته پانچ چهارم در ربع ۱۲۹۷
بدر کای جلاله اورا قن حشبه نعام
کارش آرایش بدید بحسن خستام
تشته پانچ چهارم در ربع ۱۲۹۷
بدر کای جلاله اورا قن حشبه نعام
کارش آرایش بدید بحسن خستام
تشته پانچ چهارم در ربع ۱۲۹۷

تولد فرزند در روز شنبه
چهارم در ربع ۱۳۰۷
طریق قنای ۲

تولد فرزند در روز شنبه
چهارم در ربع ۱۳۰۷
طریق قنای ۲

تولد فرزند در روز شنبه
چهارم در ربع ۱۳۰۷
طریق قنای ۲

تولد فرزند در روز شنبه
چهارم در ربع ۱۳۰۷
طریق قنای ۲

تولد فرزند در روز شنبه
چهارم در ربع ۱۳۰۷
طریق قنای ۲

تولد فرزند در روز شنبه
چهارم در ربع ۱۳۰۷
طریق قنای ۲

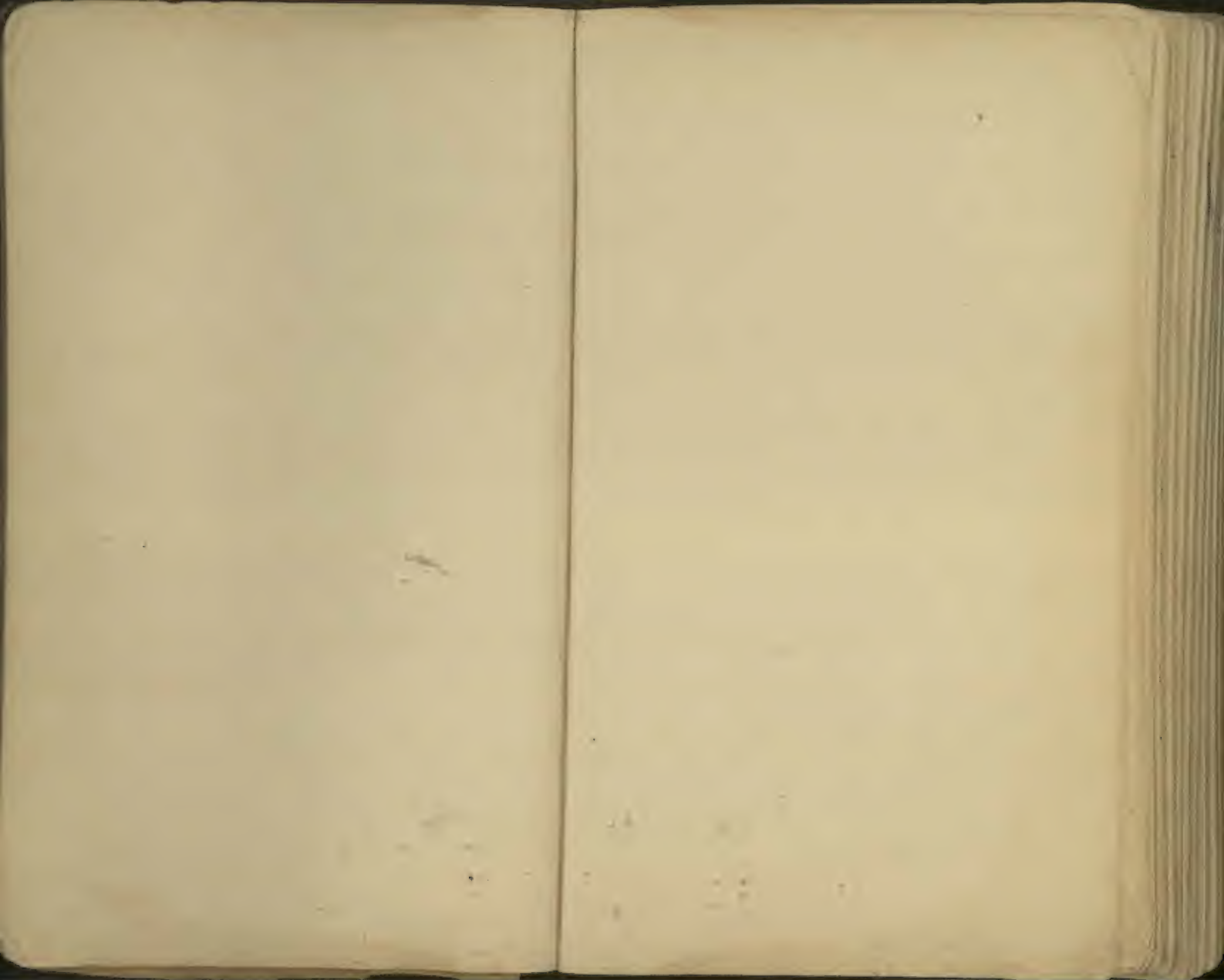
نسخه در ردیف کتب معتبره و خطی است

ردیف قریب	ردیف	ردیف	ردیف
مقتدر	مقتدر	مقتدر	مقتدر

نیز که در این کتاب است را که بگوید با برنج ترش در آب غوطه خورده
 و بافت و در حدی که بگوید با برنج ترش در آب غوطه خورده و در حدی که
 در آن در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید

در این کتاب

در این کتاب که در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید
 در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید
 در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید
 در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید در حدی که بگوید



[illegible]

قرآن مجید
 کتاب دوم
 در بیان فضائل و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 و در بیان احوال و سیرت ایشان
 و در بیان احوال و سیرت ایشان
 و در بیان احوال و سیرت ایشان

والتدخول في امره من غير حق

[illegible]



الدُّجْنِ وَفَدَّيْجُكْ أَذْبَالًا وَتَجْعَلْ زَرْعَهُ هَشِيمًا وَغَطَاهُ
رِيْمًا وَتَرُدَّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا وَالْمَطْلُوبَ ظَالِمًا إِلَهِي كَرِّمْ عَبْدِي
دَعَاكَ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانصُرْ فَقَضَى لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ فَأَمَّا نَهْرٌ
وَنَجْرَتٌ الْأَرْضَ جَبُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرِ فَدِيرٌ وَجَمَلَتْ مِنْ
كُفَاتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَجِ وَدُسَّ بَارِبٌ بَارِبًا إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانصُرْ
إِلَهُ الْكِبَرِ تَهْدِيهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا مَرْفُوعُ فَافِرَةٌ وَابْنُهُ
بَاهِرَةٌ وَنَعَانُهُ فَاطِعَةٌ وَلِكُلِّ جَبَّارٍ ذَامِعَةٌ أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ
إِلَى ثَلَاثِ مَالِكٍ يَهَانُفُوسُهُمْ لَوْ تَطَفَّاهَا جَمْدٌ وَأَقَامَتْكَ أَبَدٌ

أَنْزَلَ

إِنْ تَكُنْ بِأَسْمِهِمْ وَتَنْزِعْ عَنْهُمْ مِنْ خَصْفِكَ لِبَاسَهُمْ وَتُعْزِزَهُمْ مِنْ
سَلَامَتِهِمْ مِنْكَ فِي الْأَصْلِ تَهْجُونَ وَفِي مَبْدَانِ الْبَحْرِ فَطَعْنَاهُ
تَهْجُونَ إِلَهْمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ إِنَّ ابْنَ كُفَاتِكَ
فِي مَنْ ظَلَمَ بِأَمْرِ قَضَاءِ الْجَبَّارَةِ وَالْمُنْكَرِينَ فَقَطَعَ ظَاهِرَ الْفَر_اسَةِ وَ
وَالْمُسْتَهْزِئِينَ مَا اسْتَعِزُّوا بِكَ تَزُولُ بِطَشِكَ الشُّدُودُ وَمَا اسْتَحْلُولُ
فَهْرَكَ الْجَبْدُ بِكُلِّ جَبَّارٍ عَبْدٌ وَسَيِّدٌ عَلَى الْعِبَادِ وَطَعْنَاهُ
بِالْيَلَادِ وَسَعَى بِهَا بِالْفَسَادِ بِكَ اسْتَنْفَيْتَ إِلَهِي مَنْ ظَلَمَنِي وَقُولُ
مَوْلَانِي أَنْ تُصَرِّبَنِي عَلَى مَنْ حَارَبَنِي وَأَنْ تُهَيِّئَ لِي مَنْ بَارَبَنِي

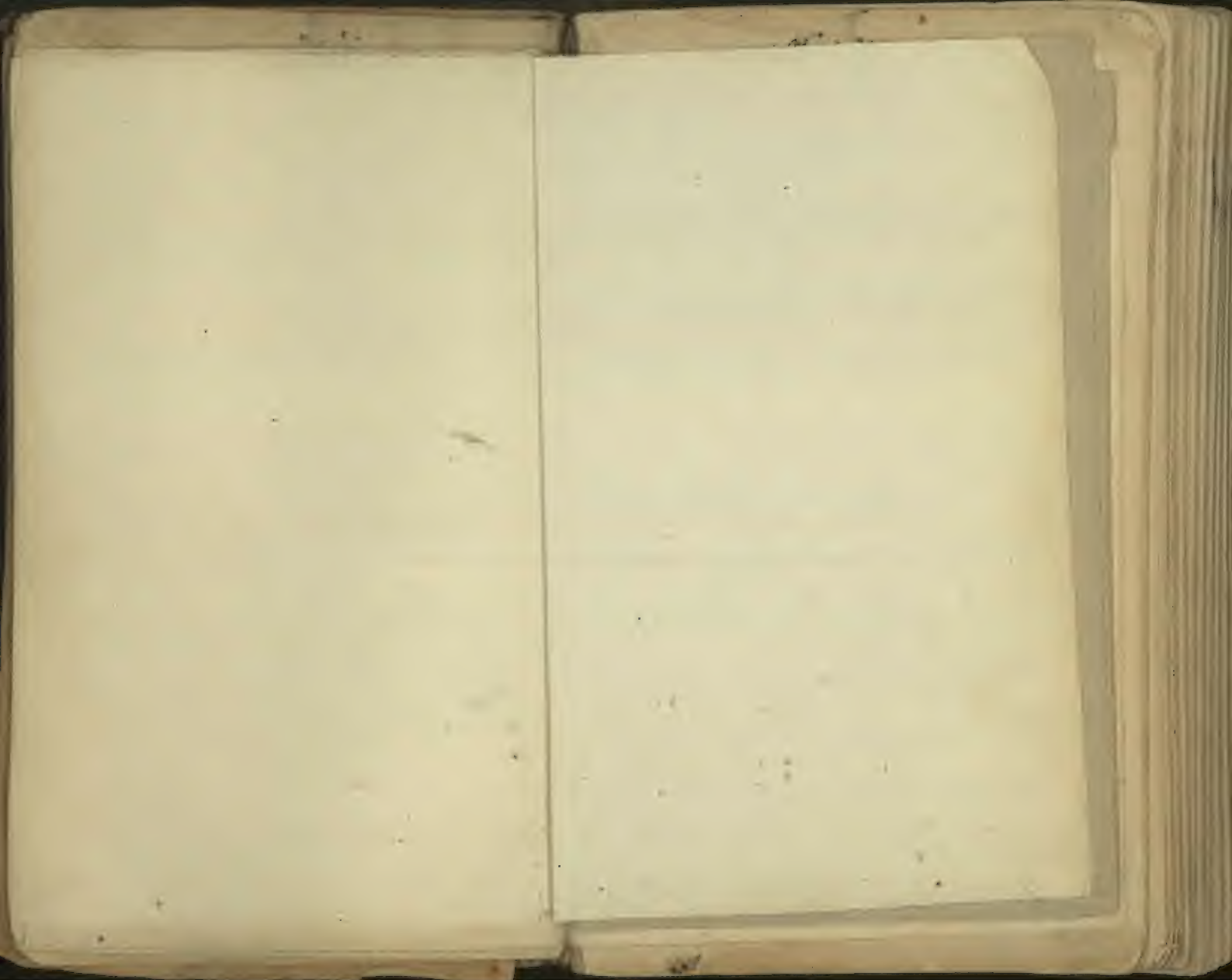
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَخْذُ

فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ لِفُلَانٍ بْنِ فُلَانَةَ نَظَائِدُهُ لِلَّهِ عَالِيٍّ وَلِغَايَةِ الْكِتَابِ
الشَّيْخَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مُحَمَّدٍ فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ لِفُلَانٍ بْنِ فُلَانَةَ نَظَائِدُهُ لِلَّهِ
وَلِغَايَةِ الْكِتَابِ الشَّيْخَةِ مُلْكُ يَوْمِ الدِّينِ مُلْكُ فُلَانٍ بْنِ فُلَانَةَ لِفُلَانٍ
بِ بْنِ فُلَانَةَ نَظَائِدُهُ لِلَّهِ وَلِغَايَةِ الْكِتَابِ الشَّيْخَةِ وَجُودِيَّةٍ وَدَائِدُهُ وَجُودُهُ
شُعْبَةُ إِبْرَاهِيمَ تَعْبُدُ فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ لِفُلَانٍ بْنِ فُلَانَةَ نَظَائِدُهُ لِلَّهِ وَلِغَايَةِ
الْكِتَابِ الشَّيْخَةِ وَأَبَاكَ تَسْتَعِينُ اسْتَعَانَ م فِي يَوْمِ الدِّينِ مَالِيٍّ وَيُغَايَةِ الْكِتَابِ
الشَّيْخَةِ عَلَى فُلَانٍ بْنِ مَ أَنْ يَكُونَ مُطْلَقًا وَمَعَالَهُ وَحُكْمُ الزَّادَةِ بِأَنْفَالٍ وَجُودُهُ
أَعْدَا التَّمْرَاتِ الْمُسْتَعْمِلِ اسْتَعْمَلَهُ م فِي مَ لِقَاءِ مَ نَظَائِدُهُ لِلَّهِ وَلِغَايَةِ الْكِتَابِ
الشَّيْخَةِ حِزَابُ الدِّينِ لَعَنَ عَلَيْهِمُ ائِمَّةٌ م فِي مَ لِقَاءِ مَ نَظَائِدُهُ لِلَّهِ وَلِغَايَةِ الْكِتَابِ

طَاعَهُ لِلَّهِ عَالِي وَلِطَاعَةِ الْكِتَابِ الشَّرِيفَةِ حُبًّا وَشَفَقَةً وَحُجَّةً
 بِاسْتِغْنَائِهِ أَمْرَهُ طَاعَةَ اللَّهِ وَبِرَكَّةِ الطَّاعَةِ عَنِ الْمُخْتَوِبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَنَرْغَمَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلَا خَوَانَا عَلَى سِرِّ مُنْطَابِلِينَ
 وَلَوْ أَنْفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا لَقِيتُ بَيْنَ مُلُوكِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ لَمَعَ بِمَنَاتِهِ
 عَنِ حُكْمِهِمْ فَارْتَضَى نَزْلًا نَزْلًا وَدَرَدًا وَدَرَدًا بِهَانٍ دَرَدًا فَرَدًّا بِهَانٍ دَرَدًا
 مَعْدُودًا بِهَانٍ دَرَدًا بِهَانٍ دَرَدًا بِهَانٍ دَرَدًا بِهَانٍ دَرَدًا بِهَانٍ دَرَدًا بِهَانٍ
 حُجَّةً حُجَّتْ حُجَّتْ وَتَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ
 نَزَلَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ دَرَدَّدَتْ
 الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مِلَّةً يَوْمَ الدِّينِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَسْبِيَ اللَّهُ لَدَيْهِ حَسْبِيَ اللَّهُ لَدُنَّائِي
حَسْبِيَ اللَّهُ الْكَرِيمُ لِمَا أَهَمَّنِي حَسْبِيَ اللَّهُ
الْحَلِيمُ الْقَوِيُّ لِمَنْ بَغَى عَلَيَّ حَسْبِيَ اللَّهُ
الشَّدِيدُ لِمَنْ كَادَنِي بِسُوءٍ حَسْبِيَ اللَّهُ
الرَّحِيمُ عِنْدَ الْمَوْتِ حَسْبِيَ اللَّهُ الرَّؤُوفُ
عِنْدَ الْمُسَائَلَةِ فِي الْقَبْرِ حَسْبِيَ اللَّهُ
الْكَرِيمُ عِنْدَ الْحِسَابِ حَسْبِيَ اللَّهُ

اللَّطِيفُ عِنْدَ الْمِيزَانِ حَسْبِيَ اللَّهُ

الْقَوِيُّ عِنْدَ الصِّرَاطِ حَسْبِيَ اللَّهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

در وقت خواب هر باید او خواندن این دعا

جهت دفع اعداء و دفع درجات افر و عقبی

و نفع دنیا بسیار نافع و به تجربه رسیده است

باید در خواندن تقصیر ننماید و به استمرار از

خود را ضرر نشود

والسلام

مبارک و تعالیٰ

معلوم است که این دعا را
از کتب معتبره جمع کرده است و صاحب
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
کرده اند که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
از عدد و غیره با حضرت رب ندین دین را می خواند
و آن غم و مهم را می دفع می نمود بنا بر این
مدار و مقام بر این دعا را بفرماید که
در این دعا برکت این دعا کماست بکام
این دعا را از دعا در اوقات استجاب دعا
غافل نشود چون از زمان سابق باران
آورده ایم آن را بخواند و ترکی می کند
اینست با دعا و دعا که قراوه دعا

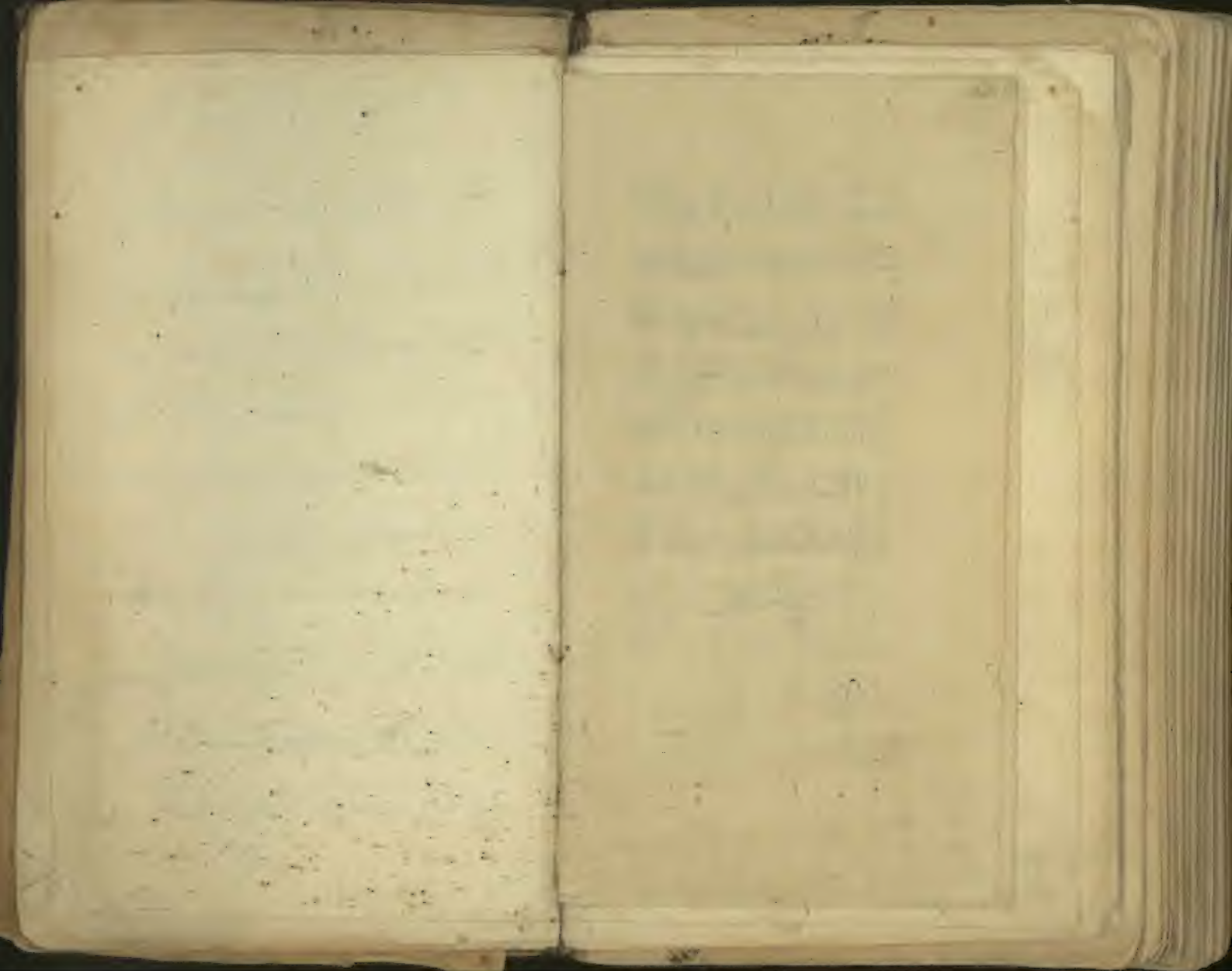
سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ
الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ رَحْمَتُكَ أَسْتَعِيْثُ
سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
اللَّهُمَّ إِنِّي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي
الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ
سُبْحَانَكَ يَا بَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
وَحَمْدَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي
طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ
اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا
فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
هُوَ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ لَهُ أَعْبَادًا
يَكْلِمُنَا اللَّهُ النِّسَابَاتِ مِنْ غَضَبِهِ
وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ
وَأَنْ يَخْضَرُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ

ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ فِي قَبْضِكَ
فَأَصْبَحِي بِبَيْدِكَ مَا خِصَّ فِي حُكْمِكَ
عَدْلٍ فِي قَضَائِكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ
إِسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسُكَ
أَوْ أُنْزِلَتْ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلِمَتْهُ
أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرَتْ
بِهِ فِي عِلْمِ الْعَبِّ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ
الْقُرْآنَ نُورَ صَدْرِي وَرَبِّعَ
قَلْبِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ
غَمِّي وَغَمِّي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيمِ الْعَلِيمِ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنَعُوْ
بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَمَلِ
السَّعْيِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ عَزَّ جَاوَدَ وَجَلَّ شَأْؤُكَ
بِأَمَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعَبُدُ
وَأِيَّاكَ تَسْتَعِينُ آمِينَ وَالْحَمْدُ
رَبِّ الْعَالَمِينَ



و در این مقام است که روز جمعه است و نماز

یا شبانه یا پنجشنبه چهل روز بخواند و افضل است که بعد از

نماز باشد بخواند و در روز یکصد مرتبه نماز مرتبه بخواند روز

چهل نوزده بار افزوده که یک هفتاد و هشت مرتبه بخواند

در چهل روز شش هزار سیصد هفتاد و نه مرتبه که عدد مجموع

این کریم است خوانده شود باید پیش از شروع غل کند

رکعت نماز حاجت بگذارد و یکصد مرتبه صلوات بر محمد

و آلِهِ و سلم بفرستد ختم است و مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ

يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ وَحْدَهُ إِنَّ اللَّهَ

بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا قَبْرَ سَيِّدِ انْكَ أَنْتَ السَّمِيعُ
الْحَلِيمُ **وَمَا** أَجَعَلْنَا مُسْلِمِينَ
لَكَ مِنْ دُونِ رَبِّنَا **أَمَّا** سَلَمَةُ
لَكَ وَأَرْفَاقُنَا يَدُكَ نَوْبُ
عَلَيْنَا أَنْتَ الْوَّابِ الْرَّحِيمُ
وَمَا وَابَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا

منهم

مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ
يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ **وَمَا** آتَيْنَا فِي الدُّنْيَا
وَمَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ
وَمَا آتَيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقَدْ جِئْنَا
عَذَابَ النَّارِ **وَمَا** أَفْرَغَ عَلَيْنَا
صَبْرًا وَثَقَّ أَقْدَامُنَا وَ

افْضُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
وَالَيْكَ الْمَصِيرُ لَا تُؤَاخِذْنَا
إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا
حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا
وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ
وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَ
ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

لا تُؤَاخِذْنَا

لَا تُؤَاخِذْنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا
وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ
أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ
النَّاسِ لِلْيَوْمِ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ
اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ
إِنَّا أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَايِعْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

اَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَاسْرِدْنَا
 فِيْ اَمْرِنَا وَثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا
 عَلَي الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ رَبَّنَا
 مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سَجْدًا
 فَفُتِنَا عَذَابَ النَّارِ اِنَّكَ مِنْ
 تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْرَجْتَهُ وَمَا
 لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ رَبَّنَا اِنَّا
 سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي بِالْاِيْمَانِ
 اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا

فَاعْفِرْ

فَاَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
 سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ
 وَارْتِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ
 وَلَا تُخَيِّرْنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ اَنْتَ لَا
 تُخَلِّفُ الْمِيْعَادَ رَبَّنَا اَخْرِجْنَا
 مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ
 اَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ
 وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ
 نَصِيْرًا رَبَّنَا لَمْ كُنْتُ عَلَيْنَا

الْقِتَالِ لَوْ لَا أَخَرْنَا إِلَى أَجَلٍ
قَرِيبٍ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا
مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا
مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا
عَيْدًا لَأُولَانَا وَآخِرًا وَأَيَّامًا مَعْدُودَةً
وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
رَبَّنَا اسْمَعْ بَعْضَنَا بَعْضٌ
وَبَلِّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ
لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوًى لَكُمْ خَالِدِينَ

فِيهَا

فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ
حَكِيمٌ عَلِيمٌ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا
وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ
مِنَ الْخَاسِرِينَ رَبَّنَا هُوَ الَّذِي
قَاتَمَ عَذَابًا ضَعِيفًا مِنَ النَّارِ
قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ
لَا يَعْلَمُونَ رَبَّنَا لَا تُجْعَلْنَا مَعَ
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ رَبَّنَا أَنْفِخْ
بِفِئْتِنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ

وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ **رَبَّنَا** افْرغْ
عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ **رَبَّنَا** إِنَّكَ أَنْتَ فَرَعُونَ
وَمَلَاحَ زِينَةٍ وَأَمْوَالٍ خَيُوفٍ
الدُّنْيَا **رَبَّنَا** لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ
رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ
اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا
حَقَّ بِرِوَالْعَذَابِ الْآلِيمِ **رَبَّنَا**

إِلَى أَسْكَتْ مِنْ دُرِّيٍّ يُوَادُّ
غَيْرَ ذِي ذَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَمِ
رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ
أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي
إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ **رَبَّنَا** إِنَّكَ
تَعْلَمُ مَا خَفِيَ وَمَا نَعْلَنُ وَمَا
يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي
الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ **رَبَّنَا**

وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ رَبِّنَا اغْفِرْ لِي وَ
لِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ
يَقُومُ الْحِسَابُ رَبَّنَا آخِرُنَا
إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ رَبَّنَا هُوَلَاءِ
شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو
مِنْ دُونِكَ فَآلِقُوا إِلَهُمُ الْقَوْلَ
إِنَّمَا لَكُمْ كَذِبُونَ رَبَّنَا إِنَّا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةٌ وَهِيَ لَنَا
مِنْ أَمْرِنَا رَشْدًا رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ

أَنْ يَفْرُقَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى رَبَّنَا
لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا
فَتَنبِئَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ
وَنُخْزَى رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا
شِقَوتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ
رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا
فَإِنَّا ظَالِمُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ
لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ
رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

وَعَتُوا عَتُوا كَبِيرًا رَبَّنَا أَصْرِفْ
عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّا عَذَابُهَا
كَانَ عَرَامًا رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ
أَرْزَاقِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ
إِمَامًا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ
إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَ
نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا

اغوينَا

أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ
مَا كَانُوا إِلَّا نَانًا يَعْجُدُونَ
رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا
فَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ
رَبَّنَا اِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا
وَكُبَرَاءَنَا فَاصْلُوْنَا
السَّبِيلَ رَبَّنَا إِنَّهُمْ ضَعِيفِينَ
مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَاءِ لَعَنَّا
كَبِيرًا رَبَّنَا اِعْدِ بَيْنَ

أَسْفَارُنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا
أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مَزْقٍ
إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ رَبَّنَا الْعَفْوَ وَشُكْرُ
رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ
الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نَعْمَلْ
مَا يَنْدَكُرُ فِيهِ مِنْ ذِكْرٍ وَ
جَنَّاكَ النَّذِيرُ رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا
قِطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

رَبَّنَا

رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ
عَذَابًا ضَعُفًا فِي النَّارِ رَبَّنَا
سِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا
فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا
سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ
رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ
الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ
أَبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ
إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ رَبَّنَا

اَمْسَا اَشْتَيْنِ وَاحْيَيْتَنَا
 اَشْتَيْنِ فَاَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا
 فَهَمَلْ اِلَى خُرُوجِ مَسْجِدِ رَبِّنَا
 اَرِنَا الَّذِيْنَ اَضَلَّانَا مِنَ الْجَنِّ
 وَالْاِنْسِ بِجَعَلَهُمَا نَحْتَا
 قَدْ اَمِنَّا لِيَكُونَا مِنْ الْاَ
 سْفَلِيْنَ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا
 الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُونَ رَبَّنَا
 مَا اَطْعَيْتَهُ وَلَكِنْ كُنَّا فِي

ضلال

ضَلَالٍ بَعِيدٍ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلَا
 خَوَانِنَا الَّذِيْنَ سَبَقُونَا بِالْاِيْمَانِ
 وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِيْنَ
 اٰمَنُوا رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيْمٌ رَبَّنَا
 عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَالْيَكِ اَ
 نْبَنَا وَالْيَكِ الْمَصِيْرُ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
 فِتْنَةً لِلَّذِيْنَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ
 لَنَا رَبَّنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ
 رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بِسْمِ رَبِّكَ كَلَامٌ شَرِيفٌ
الْعَظِيمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا نَبِيَّ الْهَادِي السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ

الْقُرَيْشِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ

الْمَدِينِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الْأُمِّيِّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الزَّكِيِّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الْأَبْطَحِيِّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الشَّافَةِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ النَّبِيِّ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

سَيِّدِ النَّبِيِّينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

سَيِّدِ الزَّاهِدِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الشَّائِبِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخَائِفِينَ ^{اللَّهُمَّ}

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ السَّاجِدِينَ

^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الصَّا

بِرِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

سَيِّدِ الرَّكَعِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ

عَلَى

عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْقَانِئِينَ ^{اللَّهُمَّ}

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ

^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخَافِظِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّاسِ

صِرِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

النَّاطِقِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

الْحَامِدِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

سَيِّدِ الرَّاشِدِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْشِدِينَ ^{اللَّهُمَّ}

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمَجْلِينَ اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْقُرَّانِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الصَّالِحِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخُودِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّاسِ

فَعِيْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

وَحَاتَمِ النَّبِيِّنَّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُصْطَفَى

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُجْتَبَى

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْبَشَرِ

وَالنَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

الْمَكِيِّ الْمَدِينِيِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَزْهَرِينَ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّبِيِّ

الْخَاتَمِيِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ مَعَ الشَّمْسِ
 إِذَا ظَلَعَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ
 الشَّمْسِ إِذَا غَرَبَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ مَعَ الشَّمْسِ إِذَا زُلْزَلَتْ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ الشَّمْسِ إِذَا
 بَصُرَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ
 الشَّمْسِ إِذَا كُوِّرَتْ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ الشَّمْسِ إِذَا

نظرت

فَنَظَرَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ
 الشَّمْسِ إِذَا تَغَيَّرَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ مَعَ الشَّمْسِ إِذَا أُسِيرَتْ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ الشَّمْسِ إِذَا
 ضَلَّتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ
 اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ مَعَ الْوَحْشِ إِذَا احْتَشَرَتْ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ الْكُفْرِ
 إِذَا انْتَشَرَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ مَعَ السَّمَاءِ إِذَا انْطَرَقَتْ

إِذَا تَرَأَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ السَّمَاءِ

إِذَا تَرَأَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ

مَعَ الْخَشَارِ إِذَا تَرَأَتْ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ الْجِبَالِ

إِذَا تَرَأَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ

مَعَ الدَّجَائِبِ إِذَا رَفَعَتْ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ الْقُبُورِ

إِذَا بُعِثَتْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

يَعْدَدُ كُلُّ مَنْ أَمِنَ وَهُوَ قَدِي

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَعَ الْأَخْرِقِ

وَالْأُولَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

سَيِّدِ الْوُفَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

عَلِيٍّ سَيِّدِ الْحَمِيْنِ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْبَرِّ الطَّيِّبِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمَطْهَرِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الصَّائِغِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ السَّالِكِينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ
 الْعَرَبِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
 النَّبِيِّينَ النَّقَاطِصِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّبِيِّ الْحَرَمِيِّ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ
 الْحَاكِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 بَعْدَ الرَّمْلِ وَالْثَرَى اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ الْأَوْرَاقِ

والخصى

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ
 الْمَطَرِ وَالْقَطْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 بَعْدَ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ أَرَى الْفَيْزِ
 الشَّمْسِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ
 اللَّيْلِ إِذَا ابْغَشَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْجُومِ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ
 عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي
 الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ ^{اللَّهُمَّ}
 تَوَسَّلْ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَبِهِدِهِ
 الصَّلَاةُ بِحُومَةٍ مُحَمَّدٍ إِنَّ
 تَغْفِرَ لَنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 هَمِينَ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ
 فِي الْأَرْوَاحِ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى جَسَدِ
 مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى

قبر

قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ ^{اللَّهُمَّ} صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الْكُفْرَةِ وَالشَّقَاةِ
 وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ
 وَقَائِدِ الْغُرَرِ الْجَمَاعَةِ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
 وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ



